

توطئه های حکومت عراق
و فعالیت عوامل وابسته به آن

خوزستان :

با استقرار صلح عادلانه در کردستان
سنگ مبارزه با امپریالیسم امریکا
را استحکام بخشیم

در میان دولت های ارتجاعی منطقه رژیم فاشیستی و ضد مردمی عراق بیشترین دشمنی را با مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما ابراز می دارد و علیه خلق های ما به تجاوز نظامی دست می زند. این رژیم که به علت پیوندهای تاریخی مردم ما، با مردم کرد و عرب عراق از رشد و گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق های ایران بیشترین زیان را می بیند، با حمایت امپریالیسم جهانی تلاش می کند - دستاوردهای مبارزات مردم ما را در راه کسب استقلال و آزادی بی بها کرده و خلق های قهرمان ما را در ادامه مبارزاتی که برای نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم امریکا در پیش گرفته اند، مایوس سازد. همه تلاش های رژیم عراق برای حفظ سلطه امپریالیسم جهانی در منطقه است زیرا نابودی سلطه امپریالیسم در منطقه به معنی واژگونی رژیم هایی همانند رژیم عراق است. در صفحه ۶

یاد
شهیدای
پانزدهم
خرداد
گرامی باد
در صفحه ۱۲

امپریالیسم امریکا، آنچنان که جیمی کارتر صریحا اعلام داشته، در پی دخالت های بیشتری در ایران است و پرواضح است که امپریالیسم در پی روی کار آوردن یک حکومت سرسپرده امریکایی در ایران به کمک ایادی داخلی خویش است و البته در صورت آماده شدن چنین زمینه ای، نیروهای ضربتی امریکا و ناوگان نظامی امریکا آماده اند برای استقرار چنین حکومتی در صورت لزوم به اقدام نظامی سریع و ضربتی نیز دست بزنند! رژیم عراق که به شدت از گسترش مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ایران وحشت زده شده و بازتاب مبارزات میهن ما را در شرایط بحرانی عراق بوضوح می بینند همه تلاش خود را برای تفرقه در صفوف زحمتکشان ایران و منحرف ساختن مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران به کار گرفته است. فرماندهان فراری ارتش از قبیل اویسی، پالیزبان به کمک سرمایه داران فراری و امپریالیسم جهانی، هزاران مزدور را سازماندهی کرده، تلاش دارند با بهره گیری از نارضایی هایی که وجود دارد و به ویژه در بخش هایی از غرب ایران یک پایگاه دائم ضد انقلاب مستقر سازند. تحریم اقتصادی امپریالیسم امریکا و سیاست های ناپیکیر حکومت، میلیون ها زحمتکش ایرانی را زیر فشار گرانی و بیگاری خرد کننده قرار داده است. سیاست های سرکوبگرانه و نفاق افکنانه جناح هایی از حاکمیت وحدت نیروها را سخت دستخوش مخاطره قرار داده است. و در چنین شرایطی است که جنگ تجمیلی کردستان عملا وسعت می گیرد و در شرایطی که میهن ما در خطر امپریالیسم امریکا و ایادی داخلی آن است، نفاق ملی هر روز گسترش می یابد و کوشش های انقلابیون برای همگامی و همکاری و اتحاد عمل همه نیروهای ضد امپریالیست و ترقیخواه که خواهان پیشبرد واقعی مبارزه علیه امپریالیسم امریکا هستند، در اثر سیاست های جنگ افروزان لطمات بیشتری متحمل می شود. بقیه در صفحه ۲

کنفرانس بررسی جنایات امپریالیسم امریکا

در باره

ایادی خود مرتکب شده است به حدی است که بدون تردید توضیح و تشریح یکایک آن در یک کنفرانس چند روزه عملا امکان پذیر نیست. جنایات شناخته شده سازمان امنیت را که به دست کارشناسان در صفحه ۲

جنایاتی که امپریالیسم امریکا، این مخرب ترین و جنایتکارترین نیروی تجاوزگر تاریخ، در میهن ما به دست

در این شماره :



فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند در صفحه ۱۲

دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران را تهدید می کند: ۱- آنارکو سندی کالیسم ۲- رفرمیسم در صفحه ۵

در حاشیه سفر رهبران بین الملل سوسیالیستی به تهران در صفحه ۲

نهمین بزرگداشت روز تکلیبی ۱۵ خرداد مانع از انحراف جنبش ضد امپریالیستی شویم در صفحه ۳

آقای وزیر برای؟ راه جبران کسری بودجه بیکار کردن کارمندان دولت نیست در صفحه ۴

اخبار کردستان در صفحه ۱۲

پیام صلح اعلامیه مشترک سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان در صفحه ۱۱

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن محکوم است

فشارهای وارده نمی تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری، مبارزه با امپریالیسم امریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد. در صفحه ۲

بکوشیم تا با استقرار صلح در کردستان وحدت مردم میهنمان را علیه امپریالیسم امریکا تحکیم بخشیم

درباره کنفرانس بررسی ...

بقیماز صفحه ۱
تکان دهنده ای است که امپریالیسم آمریکا در میهن ما مرتکب شده است. پس از قیام خونین مردم ایران، امپریالیسم آمریکا، آنی از اقدامات جنایتکارانه علیه مردم ما که مصمم اند سلطه غارتگرانه امپریالیسم جهانی بر سرکردگی امپریالیسم آمریکا را نابود سازند، دست برنداشته و از طریق شبکه‌ها و ایادی داخلی خود به هر جنایتی دست زده است. کنفرانس بین‌المللی مداخلات آمریکا در ایران که با شرکت نزدیک به صد هیئت نمایندگی احزاب و دولت‌های سراسر جهان تشکیل شده است، اینک به دعوت دولت ایران برای بررسی این جنایات به تهران آمده‌اند.

ما ضمن تأیید اهداف ضد امپریالیستی این کنفرانس معتقدیم که همه دشمنان امپریالیسم جهانی و نمایندگان همه خلق‌های زیر ستم جهان باید به این کنفرانس دعوت می‌شدند. آنجا که روزهای تشکیل آن را محدود می‌دانیم و از آنجا که بررسی جنایات آمریکا و انتشار و انعکاس این جنایات در دنیا در این مدت محدود میسر نیست، این کنفرانس اگر واقعا بخواهد جنایات امپریالیسم آمریکا را در ایران بطور همه‌جانبه بررسی کند و به گوش همه خلق‌های جهان برساند بایسته هیئتی دائمی از میان خود انتخاب کند، تا این هیئت به مثابه یک دادگاه بین‌المللی همه جنایات امپریالیسم آمریکا را در دوران سیاه حکومت‌شاه و ادامه این جنایات را پس از انقلاب مردم ایران بررسی و به جهانیان اعلام کند. به اعتقاد ما چنین دادگاهی آگاهی خلق‌های ایران و جهان را از ماهیت جنایتکار امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا افزایش داده و در پیشبرد مبارزات ضد امپریالیستی مردم جهان موثر خواهد بود. تشکیل و ادامه کار چنین دادگاهی در خنثی ساختن دسیسه‌های امپریالیسم آمریکا در میهن ما و وحدت مردم ایران تأثیر خواهد داشت.

سازمان سیا در ایران تشکیل و زیر رهبری آن عمل می‌کرد. تحصیل قراردادهای اسارتبار اقتصادی و نظامی و استثمار نیروی کار و غارت منابع سرشار میهن ما که به‌مانه خرابی میلیون‌ها ایرانی و مرگ هزاران کودک و پیر و جوان ایران انجامید، کشتارهای دسته‌جمعی مردم توسط ارتش که زیر رهبری فرماندهان نظامی آمریکا عمل می‌کرد، شکنجه‌ها و اعدام‌های وحشیانه انقلابیون، نابودی کشاورزی ایران به کمک کارشناسان آمریکا و اسرائیلی که حتی از وارد کردن آفات و بیماری‌های خانمانسوز نباتی به ایران خودداری نمی‌کردند. جنگی بخشی از جنایات

بقیماز صفحه ۱

اطاعت کورکورانه، ایجاد و تشدید نفاق میان زحمتکشان ایران، گسترش نفاق ملی و ممانعت از نزدیکی نیروهای ضد امپریالیست و غیره... (در حالی که هزاران تن از بازماندگان رژیم شاه و ساواکی‌ها زیر فرماندهی اویسی‌ها و با تجهیزات مدرن نظامی سازماندهی شده‌اند، در حالی که مصر و اسرائیل، عمان و عراق و پاکستان به صورت پایگاه‌های امپریالیسم آمریکا علیه خلق‌های ایران به جنب و جوش افتاده و در ارتباط با ایادی داخلی امپریالیسم برای سرکوب مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران حاضرند به هر اقدامی دست بزنند، گسترش تهاجم نظامی در کردستان می‌تواند توجه مردم را از مبارزه علیه امپریالیسم و کابون‌های خطرناک ضدانقلاب منحرف سازد و از وحدت ضد امپریالیستی زحمتکشان جلوگیری کند و پرواضح است که همه اینها خواست امپریالیسم آمریکا و مقایر با منافع و مصالح خلق‌های ستمدیده میهن ماست.)

۲- کوشش‌هایی به عمل می‌آید تا مسائل کردستان را تماما هم‌ردیف مسائل نقاط دیگر ایران معرفی نماید. این سیاست که در عمل چیزی جز سیاست ادامه جنگ در کردستان نیست با فرو بستن چشم‌های خود بر ویژگی‌های تاریخی، قومی و ملی کردستان و بدون توجه به واقعیت‌های سیاسی موجود در کردستان این توهم را بر می‌انگیزد که گویا "کردستان، یزد است!!".

این سیاست بطور یکجانبه و به اصطلاح تنها به قاضی می‌رود. هم از این روست که در ظاهر راضی برمی‌گردد در حالی که اگر جدا از نیت و اعتقاداتی که در سر داریم به واقعیت‌های ملموس و زنده کردستان نظر افکنیم و این واقعیت‌های محرز را در محاسبات سیاسی خود دخالت دهیم، بسیار آسان در خواهیم یافت که مطالبات خلق کرد در چارچوب استقلال و یکپارچگی میهن و عمده‌ترین مطالبات خلق‌های قهرمان ایران از ویژگی‌هایی برخوردار است که بدون در نظر گرفتن آن، حل بحران کردستان امکان پذیر نیست.

آنهایی که واقعا می‌خواهند جنگ برادر کشی در کردستان خاتمه پیدا کند باید صراحتا اعلام دارند که به این ویژگی‌ها توجه دارند و آماده‌اند به مطالبات حق طلبانه خلق کرد پاسخ مساعد دهند.

بحران کردستان تنها با تحقق خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد می‌تواند پایان یابد.

خواست‌ها و مطالبات حق طلبانه خلق کرد، برخلاف تبلیغات گمراه‌کننده در چارچوب حفظ یکپارچگی و تمامیت ارضی ایران و استقلال میهن قرار دارد

تاریخ اثبات کرده است نمی‌توان مردمی را که برای تحقق خواست‌های حق طلبانه بها خاسته‌اند، سرکوب کرد.

راه‌حل‌های نظامی تنها و تنها بحران را تشدید می‌کند

و ابعاد فاجعه بار آن در وهله نخست دامن مدافعان جنگ برادر کشی را خواهد گرفت.

برقرار باد صلح عادلانه در کردستان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
خرداد ۱۳۵۹

با استقرار صلح عادلانه در کردستان ...

بر چنین زمینه‌ای است که سازمان چریکهای فدائی خلق ایران با احساس مسئولیت تمام و با تأکید بر خطرات جدی‌ای که جنبش ضد امپریالیستی میلیون‌ها زحمتکش ایران را در مخاطره قرار داده است به تلاش همه‌جانبه برای قطع فوری جنگ و خونریزی در کردستان دست زده و مصمم است با همکاری نیروهای ترقیخواه و صلح طلب خلق کرد، برای استقرار صلح عادلانه در کردستان بیش از پیش کوشش کند.

به گمان ما "توهماتی" وجود دارد که زدودن آن برای درک ضرورت استقرار صلح عادلانه در کردستان الزامی است و بد نیست که در اینجا نیز هر چند مختصر بدان اشاره کنیم:

۱- فرماندهان ارتش و مدافعان ادامه جنگ در کردستان کوشش می‌کنند این توهم را در همه مقامات حکومتی دامن بزنند که حل بحران کردستان از طریق نظامی و سرکوب زحمتکشان امکان پذیر است، آنها تلاش دارند خارج شدن پیشمرگان کرد را از سنجند که برای جلوگیری از ویرانی بیشتر شهر و کشتار مردم صورت گرفته یک پیروزی برای خود قلمداد کنند! در حالی که هرکس کوچکترین اطلاعی از فنون نظامی داشته باشد، در می‌یابد که تهاجم نظامی علیه خلق کرد باردیگر با شکست روبرو شده است. هرکس از وضعیت کردستان، یکپارچگی خلق کرد، وضعیت منطقه، آمادگی پیشمرگان و روحیه مردم مطلع باشد و کوچکترین اطلاعی از فنون جنگ داشته باشد می‌داند که پیروزی نظامی در کردستان محال است.

تهاجم نظامی در کردستان با شکست روبرو شده و در صورت ادامه با شکست قاطع و همه‌جانبه روبرو خواهد شد. اگر بپذیریم که فرماندهان نظامی نیز این واقعیت ساده را که پیروزی نظامی در کردستان امری محال است دریافته‌اند، این سؤال مطرح می‌شود که هدف واقعی آنها از تلاش برای ادامه جنگ چیست؟

(بدون تردید به زعم آنها ادامه جنگ راهی است برای تصفیه پرسنل مبارز ارتش، خرید جنگ افزار، بازگرداندن افسران "باتجربه" شاه به خدمت، ابقای فرماندهان کنونی ارتش، تحکیم موقعیت خود از طریق انجام مانورهای زیرکانه بر اساس تضادهایی که در نتیجه جنگ در درون ارتش به وجود می‌آید، سرکوب شوراها، تحکیم نظام

استقلال - کار - مسکن - آزادی

ضمن بزرگداشت روز

تاریخی ۱۵ خرداد

مردم قهرمان ایران!
نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست!

مبارزه شکوهمند و دلاورانه خلق‌های قهرمان ما علیه امپریالیسم، دوستان و جاسوسان آن روزهای پرمخاطره‌ای را از سر می‌گذراند. تاریخ مبارزات حماسه آفرین مردم ما برای کسب استقلال و آزادی و برای بنا نهادن ایرانی آزاد و دمکراتیک که در آن کارگران و زحمتکشان از بی‌خاسی و بیکاری و گرسنگی‌رهائی می‌یابند مآل از توطئه‌ها و تلاش‌های مذبوحانه‌ای است که طی آن دوستان و جاسوسان امپریالیسم کوشیده‌اند به نام مردم هدف‌های ضد مردمی خود را عملی سازند. همین تاریخ گواه است که ما برهم کامیابی‌های موقتی امپریالیسم، زحمتکشان مبین ما، چهره دشمنان خود را باز شناخته و دلاورانه علیه آنان قیام کرده‌اند و سخت‌نترکی آنان را سرنگون ساخته‌اند.

اکنون نیز سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ، با اذیت‌طلبان و طرفداران بختیار و اویسی، فرماندهان مزدور امپریالیسم در ارتش، شبکه‌های جاسوسی امپریالیسم آمریکا و امیرالها دسایس و توطئه‌های تازه‌ای ساز کرده‌اند و در صدند به هر شکلی که می‌توانند به مبارزات توده‌های میلیونی زمین ما که در راه نابودی سلطه امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا جریان دارد ضرباتی وارد آورند.

تقریبی ۱۶ ماهی که از قیام گذشته است، اثبات می‌کند که یکی از حربه‌های دشمنان مردم برای به انحراف کشاندن مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن ایجاد دشمنی کاذب در درون صفوف متحد مردم شهرمان و رزمنده میهنمان و دامن زدن به تفرقه‌ها و دشمنی‌ها بر این اساس بوده است.

یادای سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و همه دوستان و جاسوسان امپریالیسم طی ۱۶ ماهی که از قیام می‌گذرد همواره تلاش کرده‌اند مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا را از مسیر واقعی خود منحرف کرده و دشمنی با امپریالیسم آمریکا را به دشمنی با نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن با انقلابیون کمونیست مبدل سازند. آنها در تعقیب هدف‌های ضد مردمی خود به اتحاد عمل و نزدیکی نیروهای ضد امپریالیسم و انقلابی ضربات سختی وارد آورده‌اند. بسیاری از این تلاش‌های ضد مردمی با نام دفاع از اسلام صورت گرفته و می‌گیرد و در این میان کوردلی، انحصار طلبی و قشریت مذهبی جناح‌هایی که نقش موثر و تعیین کننده‌ای در حیات سیاسی جامعه کنونی ما دارند بهترین مشوق و مددکار دشمنان مردم بوده است. حمایت و تشویق این جناح‌ها، علیرغم نیت و اقدامات ضد امپریالیستی شان، به دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا که در درون و بیرون هیئت حاکمه حضور و نفوذ دارند امکان می‌دهد تا مرز دوستان و دشمنان واقعی مردم را تا آنجا که امکان پذیر است مخدوش سازند و در مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و انقلابی موفقیت‌هایی به دست آورند. این جناح‌ها، علاوه بر آنچه که گفتیم خود نیز با-

با هوشیاری انقلابی

مانع از انحراف جنبش ضد امپریالیستی شویم

عالی سراسر کشور تعطیل می‌شود. ما ضمن اعلام نگرانی خود از تعطیل طولانی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی آنچنانکه بارها اعلام داشته‌ایم با تعطیل دانشگاه‌ها و تعرض به حریم دانشگاه با هر نام و بهانه‌ای مخالفیم و آن را به سود مبارزات ضد امپریالیستی خلق‌های ایران نمی‌دانیم.

از سوی دیگر امکان دارد اقدامات عجولانه‌ای با هدف پاسداری از آزادی فعالیت‌های صنفی و سیاسی دانشجویی صورت گیرد. ما به همه نیروهای انقلابی و ضد امپریالیست صراحتاً تأکید و توصیه می‌کنیم که از هرگونه اقدام عجولانه خودداری کنند.

ما تأکید می‌کنیم که اقدام به تحصن، اعتصاب و درگیری پیرامون تعطیل دانشگاه‌ها را در شرایط کنونی به سود جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران نمی‌دانیم و مصراً از همه نیروها و هواداران خود می‌خواهیم که ضمن مخالفت با چنین اقدامات و حرکاتی از شرکت در آن جدا خودداری ورزند.

از آنجا که تعطیل دانشگاه‌ها به بهانه اسرب فرهنگی صورت می‌گیرد ما اعلام می‌داریم که یک انقلاب فرهنگی واقعی زمانی می‌تواند به ثمر رسد که بنای پوسیده سرمایه‌داری و استثمار انسان از انسان به دست توانای طبقه کارگر ایران از پایه وازگون گردد. ما مبارزه در راه دگرگون ساختن نظام آموزشی، به نحوی که دانشگاه‌ها و مدارس عالی و همه دانشجویان و دانشکامان را در خدمت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و در راستای قطع سلطه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا در آورد قاطعانه تأکید می‌کنیم و در این مبارزه دوشادوش و پشاپیش زحمتکشان گام برخواهیم داشت.

ما بار دیگر اعلام می‌داریم که مبارزه برای استقرار یک نظام مردمی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی به هیچ وجه آن چیزی نیست که در اول و دوم اردیبهشت ماه جاری اتفاق افتاد و به شهادت دهها دانشجو و زحمتکش ضد امپریالیست و انقلابی انجامید. ما آنچه را که به نام "انقلاب فرهنگی" یا رهبری حزب جمهوری اسلامی در دانشگاه‌ها و مدارس عالی صورت گرفته است لکه سنگینی بردامن جمهوری اسلامی ایران می‌دانیم که با حماسه مقاومت دلاورانه دانشجویان در راه کسب استقلال و آزادی در تاریخ مبارزات رهایی‌بخش مردم میهنمان ثبت خواهد شد.

ما از همه هواداران خود می‌خواهیم با هوشیاری انقلابی حوادث و اتفاقاتی را که این روزها احتمال وقوع دارد مورد بررسی و مطالعه قرار دهند. به میان مردم بروند و حقایق را برای آنها توضیح دهند. رهبران و تحریک کنندگان اقدامات ضد دمکراتیک و سرکوبگرانه را به مردم بشناسانند و نتیجه و مضمون اقدامات آنها را که علیه مردم و مطالبات و آرمان‌های آنان و به سود دشمنان مردم و در رأس آن امپریالیسم آمریکا تمام می‌شود برای مردم توضیح دهند.

اتخاذ سیاست‌های ضد دمکراتیک و ضد کارگری و به ویژه دشمنی با "انقلابیون کمونیست" تاکنون ضربات سختی به مبارزات ضد امپریالیستی مردم ما وارد آورده‌اند و در ایجاد ضعف و پراکندگی کنونی نقش درجه اول داشته‌اند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از فردای قیام "دولت موقت" و "صدا و سیمای جمهوری اسلامی" وظیفه خود را مبارزه علیه نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن انقلابیون کمونیست قرار دادند. مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه از قیام تاکنون یکی از ارکان سیاست تبلیغاتی جمهوری اسلامی مقابل با نیروهای انقلابی و به ویژه انقلابیون کمونیست بوده است. با این سیاست تخم نفاق و پراکندگی را افشاندند و هم امروز نیز با جعل حقایق و هزاران تهمت و افترا بدان دامن می‌زنند. اکنون آشکارا ما توقیف مطبوعات انقلابی در کنار توقیف بجا و درست نشریات وابسته به امپریالیسم و محافل نزدیک به طبقه سرمایه‌دار ایران، با بازداشت و اعدام انقلابیون کمونیست، با تبلیغ جنگ برادر کشی و اقدام به آن و با اخراج "کمونیست‌ها" از محیط‌های کار و فعالیتشان خرابسته و با خواسته آب به آسیاب امپریالیسم ریخته و پیروزی بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ما را به تعویق انداخته و با دشواری‌های فراوانی روبرو می‌سازند.

مردم ما فراموش نمی‌کنند که چگونه هیئت حاکمه و صدا و سیمای جمهوری اسلامی و به ویژه روزنامه جمهوری اسلامی دستجات معروف به "حزب الله" را که ماهیت ضد مردمی‌شان دیگر بر کسی پوشیده نیست "مردم" می‌خواندند و از هیچگونه حمایتی از آنان کوتاهی نمی‌کردند. سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران، در آستانه برگزاری بزرگداشت روز تاریخی ۱۵ خرداد که با آن فصل تازه‌ای در مبارزات ضد امپریالیستی دمکراتیک خلق‌های ایران آغاز گردید، ضمن بزرگداشت این روز تاریخی با درود به شهدای به خون خفته خلق که در راه کسب استقلال و آزادی جان‌های پاکشان را فدا کردند در مسئولیت خود می‌دانند که توجه همه مردم آگاه و مبارز ایران، تمامی نیروهای انقلابی، ضد امپریالیست و ترقیخواه را به نکات زیر جلب نماید:

- ۱- دستجات و باندهای وابسته به امپریالیسم و دوستان و جاسوسان آن در روزهای آینده به بهانه دفاع از اسلام و در پوشش "حزب الله" کوشش خواهند کرد تشنجات تازه‌ای در سطح جامعه به وجود آورند. این دستجات تلاش دارند با ایجاد درگیری با نیروهای ضد امپریالیست و در رأس آن "انقلابیون کمونیست" دامن‌ها فطیات سرکوبگرانه را گسترش داده و در جهت ایجاد اختناق و سلب حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی گام‌هایی دیگر به جلو بردارند وظیفه همه نیروهای انقلابی است که مانع هرگونه درگیری شوند و اجازه ندهند که دشمنان مردم ما به هدف‌های پلید خود دست یابند.

۲- از ۱۵ خرداد دانشگاه‌ها و مراکز آموزش

گسترده‌تر باد همکاری همه آنان که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می‌کنند!

مرکز بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا

پیروز باد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های ایران

سازمان چریک‌های فدائی خلق ایران
۹ خرداد ماه ۱۳۵۹

در حاشیه سفر رهبران "بین الملل سوسیالیستی" به تهران

سیاستی که دوستی با امپریالیستهای اروپایی را طرح می‌کند، سیاستی مغایر با خواست‌های استقلال طلبانه مردم ایران است. و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) تفاوت دارد!

روز دوشنبه پنجم خرداد ماه رهبران "بین الملل سوسیالیستی" به دعوت رئیس جمهور و برای انجام مذاکراتی با رئیس جمهور و شورای انقلاب وارد تهران شدند.

بین الملل سوسیالیستی ادامه جناح راست بین الملل دوم است که در اوائل قرن حاضر از اتحاد احزاب سوسیال دمکرات و کارگری جهان به وجود آمد. اما در دوره جنگ جهانی اول این بین الملل به سه جناح راست مرکز و چپ تقسیم شد. جناح انقلابی آن زیر رهبری حزب کمونیست (سوسیال دمکرات) روسیه و لنین قرار داشت. این جناح انقلابی در مقابل جنگ امپریالیستی شعار صلح و تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ انقلابی برای سرنگونی امپریالیستی را

طرح می‌کرد. جناح مرکز و جناح راست که امروزه همین "بین الملل سوسیالیستی" ادامه آن است مدافع جنگ امپریالیستی بودند. آنها با شعار دفاع از میهن جنگ خانمان برانگیز امپریالیست‌ها برای کسب غنا و بازارهای جدید را توجیه و تأیید می‌کردند و در آن شرکت کردند. آنها به زائده امپریالیسم تبدیل شدند.

پس از انقلاب اکتبر روسیه لنین و بلشویک‌ها با محکوم ساختن خیانت رهبران انترناسیونال دوم، انترناسیونال سوم یعنی سازمان همبستگی کارگران و زحمتکشان جهان را تشکیل دادند. رهبران و احزاب بین الملل سوسیالیستی یا همان انترناسیونال ۲ دفاع سرسختانه خود از سرمایه‌داری را ادامه دادند

و تبدیل به احزاب سرمایه‌داری تمام عیار شدند که فقط نام سوسیالیست را ظاهراً حفظ کرده بودند. آنها امروزه نماینده منافع یک جناح از سرمایه‌داری و امپریالیسم هستند.

حزب کارگر انگلستان، حزب سوسیال دمکرات فرانسه، حزب سوسیال دمکرات آلمان (به رهبری ویلی برانت) و... از جمله اعضای این بین الملل امپریالیستی هستند. آنها هر جا که زمام دولت‌ها را به دست گرفته‌اند در اساس همان سیاست‌های امپریالیستی را به پیش رانده‌اند و غارت و استثمار خلق‌ها را به پیش برده‌اند.

بدنیست اشاره کنیم که حزب کارگر اسرائیل که مدت‌ها زمام امور دولت صهیونیستی اسرائیل را در دست داشته و گلدان مادر از رهبران "بنام" آن است نیز عضو همین

بین الملل هستند. نقیض سرکوبگرانه و ارتجاعی این حزب نیاز به توضیح بیشتری ندارد.

و اکنون "رهبران" این بین الملل امپریالیستی به تهران آمده‌اند تا "انقلاب ایران را از نزدیک مورد ارزیابی قرار دهند."!!

پرنو گرایسکی و سایر "رهبران" پس از ملاقات با بنی صدر اعلام کردند که "از انقلاب ایران پشتیبانی می‌کنند"!! و در بسیاری از زمینه‌ها با ایران مواضع مشترکی دارند. جالب آنکه در بیانیه رسمی دفتر ریاست جمهوری در مورد سفر حضرات از آنها به عنوان نیروهای مرفقی اروپا؟! یاد می‌شود.

سابقه تکیه بر اروپا برای مبارزه با "دو ابر قدرت" چیزی جز این هم از آب در نخواهد آمد. اما ما می‌پرسیم

همکاری و دانش مواضع مشترک با امپریالیست‌های اروپایی آیا بحر وارد کردن امپریالیسم آمریکا از در عقب نیست؟

امپریالیست‌های اروپایی اساساً دارای منافع مشترکی با آمریکا بوده و مبارزه علیه آمریکا جدا از مبارزه علیه یاران و همکاران و همدستان آن یعنی جدا از مبارزه علیه امپریالیسم جهانی نیست.

سفر این عناصر به تهران زمینه دیگری است از کوشش همه‌جانبه امپریالیست‌ها برای به شکست کشاندن جنبش ایران. مردم ما نه تنها این نیروها را مرفقی نمی‌دانند بلکه آنها را دشمن خود می‌دانند و هرگز دست‌دوستی به سوی آنها دراز نخواهد کرد. سیاستی که دوستی با امپریالیست‌های اروپایی را طرح می‌کند سیاسی مغایر با خواست‌های استقلال طلبانه مردم ایران است و این ناگفته پیداست که با استفاده صحیح از تضادهای درونی جهان سرمایه‌داری معاصر (امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا) تفاوت دارد!

توقیف نشریه کار و دستگیری توزیع کنندگان آن دشمنی با آرمان مردم است

فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری مبارزه با امپریالیسم آمریکا و دوستان و جاسوسان آن را تا پای جان ادامه خواهیم داد.

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا همزمان با تدارکات عظیم نظامی و سازماندهی نیروهای خود در داخل و خارج از کشور، جنگ تبلیغاتی وسیعی را آغاز کرده است. دوستان و جاسوسان امپریالیسم از طریق رسانه‌های گروهی کشورهای امپریالیستی و کشورهای دست نشانده منطقه تبلیغات گسترده و مسموم کننده‌ای را علیه دستاوردهای خلق ما وسیعاً گسترش داده‌اند. آنها در صدد فعال‌تر کردن نیروهای وابسته خود در داخل کشور هستند. خوراک تبلیغاتی رادیوها و کلیه رسانه‌های گروهی امپریالیسم، بر پستر یکسری از عملکردهای غیر دمکراتیک حاکمیت و همچنین عدم پاسخگویی به نیازهای مردم توده‌ها استوار است. امپریالیست‌ها با این تبلیغات خود تلاش دارند با توده‌ها را به انفعال سیاسی بکشانند و با از طریق عمال

خود در داخل کشور، بخش عقب افتاده و ناآگاه توده‌ها را در کانون‌های ضدانقلابی خود متشکل سازند تا بتوانند به وسیله نیروهای داخلی خود به ویژه در ارتش و با اتکاء به ناوگان نظامی و کشورهای ارتجاعی منطقه نظیر عراق پایگاه متعدد ضد انقلابی در ایران به وجود آورند. در این شرایط نیروهای انقلابی می‌توانند با تبلیغات سیاسی و افشاکاری امپریالیسم نقش مهمی در ارتقاء آگاهی‌های توده‌ها و خنثی ساختن طرح‌های امپریالیسم ایفا کنند. هرکس در هر موقعیتی خواهد توانست تحقق این امر شود و توده‌های زحمتکش ما را از تمام امکانات بالفعل خود برای مقابله با امپریالیسم محروم کند به امپریالیسم خدمت کرده است. به همین دلیل تهاجم به دفاتر سیاسی، جلوگیری از انتشار نشریات و روزنامه‌های مرفقی و ضد امپریالیست، زیر فشار قرار دادن گروهها و سازمان‌های

ترقیخواه و انقلابی از جانب هر نیرویی که صورت گرفته باشد به نفع امپریالیسم تمام خواهد شد. در تگنا قرار دادن سازمان‌های سیاسی، مورد شکنجه و آزار قرار دادن نیروهای هوادار آنان و زندانی کردنشان برای بخش و توزیع نشریات و اعلامیه‌های ضد امپریالیستی، عملاً به مفهوم خلق سلاح نمودن مردم در مقابل تبلیغات گسترده امپریالیسم است.

گرایش فزاینده توده‌ها به طرف سازمان‌های سیاسی ترقیخواه، باعث وحشت عناصر قشری حاکمیت شده است تا بدانجا که برای جلوگیری از نشر افکار این سازمان‌ها، دانش‌آموزان و دانشجویان پیشگام، توزیع کننده این نشریات را طبق قوانین من‌درآوردی دادستان انقلاب بین ۳ تا ۶ ماه به زندان محکوم می‌کنند. در حالی که جنایتکاران و ساواکی‌ها دسته دسته از زندان آزاد شده و بر سر کارهای سابق خود باز

می‌گردند. زندانی نمودن رفقای پیشگام که نشریه "کار" را می‌فروشنند، گویای عملکردهای ضد دمکراتیک این محافل و عناصر است.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ضمن محکوم کردن اقدامات خودسرانه مسئولینی که به توقیف نشریه کار مبادرت ورزیده‌اند به بازداشت و زندانی ساختن نیروهای پیشگام و ضد امپریالیست و انقلابی اعتراض داشته و آن را عمیقاً محکوم می‌کند.

ما اعلام می‌داریم که فشارهای وارده نمی‌تواند انقلابیون را از وظیفه و رسالت خود بازدارد. ما با تمام امکانات خود و با هوشیاری و آگاهی کامل و با تشخیص درست از ماهیت و عملکردهای امپریالیسم و متحدان داخلی آن به مبارزه علیه دشمنان خلق‌های قهرمان خود ادامه خواهیم داد.

این وظیفه بزرگ تمام نیروهای مرفقی و ضد امپریالیست است که با

تمام توان خود، برای خنثی نمودن نقشه‌های امپریالیسم اقدام کنند. آنهایی که در شرایط حساس کنونی، تضادهای درون خلق را دامن می‌زنند و نیروهای ضد امپریالیست را به جنگ فرسایشی بر علیه یکدیگر می‌کشانند، به نفع امپریالیسم عمل می‌کنند. بسیار روشن است که تبلیغات گسترده رادیو و مطبوعات دولتی بر علیه کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی و محدود کردن فعالیت‌های نیروها و عناصر انقلابی آن در آسیاب امپریالیسم می‌ریزد. امروز دفاع از آزادی‌های دمکراتیک برای ارتقاء آگاهی و تشکیل توده‌ها و خنثی نمودن تبلیغات مخرب امپریالیسم نیاز مبرم مردم ما است و توقف نشریات نیروهای انقلابی و در راس آنها نشریه "کار" اقدامی است خواسته و نخواستی علیه منافع مردم و آرمان آنان که رهائی از سلطه امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا است.



دو گرایش انحرافی مشخص جنبش کارگری ایران را تهدید می کند : ۱- آنارکو سندی کالیسم ۲- رفرمیسم

(قسمت اول)

می پردازد. نمونه های بسیار دیگر از این قبیل، نشان می دهد که سیاست "حزب توده" نه بر مبنای منافع و خواست های توده ها و به ویژه کارگران، بلکه بر مبنای مصالح گروه های حاکمه حتی سازشکارترین محافظان آن مبتنی است. این جنبش، گسترش صرفاً "قانونی" مبارزه را اصل قرار می دهد و مبارزات انقلابی توده ها را در چارچوب تنگ ضوابط عقب مانده محدود و محصور کرده و چه بسا متلاشی می سازد.

"حزب توده" از نظر حضور و شرکت در جنبش توده ای و بخصوص جنبش کارگری و سازماندهی حرکات اعتراضی آن، حتی یک گام انقلابی برنداشته و اساساً فاقد حداقل پیرانیک انقلابی کارگران بوده است. اینکه بطور روزمره (برخلاف سازمان پیکار و دیگران) این یا آن اشتباه چشمگیر و بارز در این یا آن کارخانه و کارگران از

این دو جریان انحرافی ظاهراً متفاوت، در یک مسئله اساسی با هم سهیمند و آن ایجاد احتلال و انحراف در امر تربیت و تشکل سوسیالیستی پرولتاریاست.

برخلاف آنارشیست ها که اساساً از موضع "پائین" (یعنی از همان موضع کسانی که تحت حاکمیت یک حکومت قرار دارند) با "بالا" (حاکمیت) برخورد می کنند و آنرا همواره و در هر شرایطی مورد عتاب قرار می دهند و نقش مبارزه غیرقانونی را مطلق می کنند، رفرمیست ها از این نظر در نقطه مقابل آنها قرار می گیرند، آنها عموماً از موضع و کانال حاکمیت و قانون، مسائلشان را مطرح می کنند و همواره با توجه به مصالح حاکمیت موجود، توده ها را "رهبری" می کنند! از اینرو در تعقیب و بررسی سیاست ها و شعارهای کارگری "حزب توده" نباید در لابلای

آنارکوسندی کالیسم (آنارشیسم و سندی کالیسم) یا اگر بخواهیم دقیق تر و کاملتر بگوئیم (در جنبش کارگری ایران) آنارشیسم و اکونومیسم، بمثابة دو وجه از یک انحراف واحد، تبلورش را بیش از همه در "سازمان پیکار" و گروه های مشابه نشان می دهد، که در این مورد قبلاً کم و بیش بحث کرده ایم در اینجا به رفرمیسم، بمثابة مشخصه سیاسی "حزب توده" و به ویژه در سیاست "کارگری" اش می پردازیم. امروز جنبش کارگری ایران (بواسطه فقدان سنت های مبارزاتی متشکل و فقر شعور سندی کالی) بیش از هر زمان دیگری نیازمند یک سیاست کارگری انقلابی و مرزبندی هرچمروشن تر و قاطعانه تر آن با انواع انحرافات است که دامنگیر این جنبش است. تحقق صف مستقل پرولتری در گروهی تدوین یک سیاست انقلابی کارگری و ترسیم یک مرزبندی مشخص با انحرافات رفرمیستی و آنارشیستی درون جنبش کارگری و کمونیستی ایران بوده و به تبلیغ و ترویج فعال و پیگیر این سیاست در طبقه کارگر ایران بستگی دارد. کوشش در جهت شناخت این انحرافات و سپس انتقاد، افشاء و از بین بردن آن، لازمه ترسیم یک مرزبندی روشن با این انحرافات است.

هر چند "حزب توده" در کارخانه ها، از نظر سیاست (سیاست پرولتری) فاقد حیات است، ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تأثیرات سوء و مخرب جنبش رفرمیستی آن، نه تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید بار دیگر تأکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران است.

لنین درباره ریشه ها و مختصات این دو انحراف چنین می نویسد:

"هم آنارکوسندی کالیسم و هم رفرمیسم را باید بعنوان محصول بلاواسطه جهان بینی بورژوازی و تأثیر آن جنبش، مورد توجه قرار داد. آنها یک جنبه از جنبش کارگری را می گیرند و آنرا بطور یک بعدی و یکجانبه تا حد یک تئوری بالایی برند و متفقا آن جنبه را که ویژگی شرایط مشخصی از مبارزه کارگران است، بمثابة یک نظریه تعمیم می دهد... اپورتونیسم راست... رفرم را به مثابه تحقق جزئی و گام به گام سوسیالیسم مورد توجه قرار می دهند و آنارکو - سندی کالیست ها (با قیافه های حق به جانب) "خرده کاری" را (به ویژه در استفاده از پلاتفرم پارلمانی) مردود می دانند. ولی تاکتیک های آنارکو - سندی کالیست ها (علیرغم شکل متفاوتش با تاکتیک های رفرمیست ها) در عمل به همان مضمون صبر و انتظار برای "روزهای بزرگ" منتج می شود. صبر و انتظاری توأم با درماندگی و ناتوانی در بسیج نیروهای وسیع توده ای. هر دو اینها چیزی را مخفی می کنند که مهمترین و ضروری ترین چیزهاست. یعنی متحد ساختن کارگران در سازمان های بزرگ، قدرتمند و منضبط در تعهد به رسالتی که تحت هرگونه شرایطی دارند. یعنی تربیت و تشکل کارگرانی که با روح مبارزه طبقاتی، اهداف تاریخی شان را درک کرده و به جهان بینی واقعا انقلابی (مارکسیسم) تجهیز شده باشند."

(لنین - انحرافات در جنبش کارگری اروپا)

او سر نمی زند، انعکاس یک سیاست کارگری متین نیست، بلکه به خاطر آن است که هیچگونه حضور مشخص و فعالی در این حرکات ندارد و از این نظر (فعالیت از "پائین") تقریباً مصداق این گفته رفیق هوشی مین است که می گفت:

"تنها مرده ها هستند که اشتباه نمی کنند (چون حرکتی ندارند)."

هر چند "حزب توده" در کارخانه ها، از نظر سیاسی (سیاست پرولتری) فاقد حیات است ولی نادیده گرفتن و یا کم بها دادن به تأثیرات سوء و مخرب جنبش رفرمیستی آن، نه تنها نادرست، بلکه خطرناک است. باید بار دیگر تأکید کرد که "حزب توده" بزرگترین خطر انحراف از اصول و خط مشی انقلابی در جنبش کمونیستی ایران است. سیاست و تاکتیک های "حزب توده" در رابطه با مسائل کارگری و با طبقه کارگر قبل از هر چیز بر این پیشداوری و توهم استوار است که این جریان خود را "حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران" می نامد. حزب طراز نوین طبقه کارگر هم یعنی ستاد و سازمان سیاسی رهبری کننده طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران. این ادعا در هر وجه می تواند بطور مشخص مورد ارزیابی قرار گیرد:

صوف اعتراضی توده های کارگر و در کارخانه ها و کارگاهها بیهوده پرسه زنیم. چون چیزی جز رد پای محو فورمن ها (مباشرها) و سرپرست ها و معدودی "پرولتاریای بازنشسته" نخواهیم یافت. چون اینها در اندیشه تسخیر سنگرهای واقعی مبارزه نیستند. آنها چشمهایشان نگران کرسی های پارلمانی و میزهای کنفرانسهاست. این واقع بین های حقیقی "برای تسخیر سنگرها نیازی به برخورد سینه به سینه کارگران متشکل با طبقه سرمایه دار نمی بینند. و ترجیح می دهند که ابواب جمعی شانرا با کرنش از کنارش بگذرانند. چه، رفرمیسم "حزب توده" تنها دو مبارزه قانونی اش در چارچوب تبعیت بی چون و چرا از سیاست های "نه شرقی نه غربی" خرده بورژوازی خلاصه نمی شود بلکه همچنین در کرنش ناگزیر آن در برابر بورژوازی، نیز خود را نشان می دهد. "حزب توده" هنگامی که از توطئه "ضد انقلاب" در سراسر ایران صحبت می کند، می گوید که:

"ضد انقلاب در مقابل اقدامات آقای مدنی (استاندار خوزستان) کارشکنی می کند و مانع از پیشرفت انقلاب می شود"

و این در شرایطی است که تیمسار مدنی دستور خروج دکل های حفاری سانتافه را می دهد (یعنی در خدمت امپریالیسم به خلق ضربه می زند) بر علیه شوراهای کارگری در سطح منطقه خوزستان به توطئه و تهاجم متوسل می شود، برخی از شوراها (ایران ترمینال و فولاد...) را سرکوب می کند و به گشتار بیرحمانه مردم خوزستان

- ۱- میزان نفوذ و پیوند تشکیلاتی این "حزب" با طبقه کارگر ایران.
- ۲- ایدئولوژی، سیاست و تاکتیکهایی که معرف این "حزب" است. هر چند برای اطلاق کلمه حزب به یک بقیه در صفحه ۸

پر توان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران

خوزستان :

توطئه های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته به آن

جنبش انقلابی توده‌ای در ایران، پیروزی قیام بهمن ماه و سرنگونی رژیم شاه ضمن برهم زدن تعادل قوا، به زبان سلطه امپریالیسم جهانی بر رشد جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلق‌های منطقه نیز تأثیری مثبت داشته است. این تأثیرات و نتایج، بطور آشکاری رژیم‌های وابسته و ارتجاعی منطقه را دچار آشفتگی و نگرانی ساخته است.

رژیم بعثی عراق در شرایطی که بحران سیاسی داخلی ضرورت اعمال سیاست‌های خشن و فاشیستی را فراهم ساخته است و در شرایطی که به دلایل سیاسی-فرهنگی مشخص بیش از هر کشور دیگری در معرض تأثیر پذیری از مبارزات ایران است نخستین کشوری است در منطقه که در برابر حکومت جدید ایران علنا موضع خصمانه اتخاذ می‌کند. به این منظور رژیم عراق با انگشت گذاشتن روی نقاط ضعف اساسی حکومت جدید ایران (که از جانب آنها قابل بهره‌برداری است) یعنی مسئله خلق عرب مسئله جزایر تنب و ابوموسی و غیره هدف‌های خود را دنبال می‌کند.

سیاست‌ها و تاکتیک‌هایی که حکومت عراق در برخورد با زمامداران جدید ایران در پیش گرفته، اشکال متنوعی دارد که مهمترین آنها را در زیر توضیح می‌دهیم:

۱- برقراری ارتباط نزدیک با شیوخ و روسای عشایر عرب. ارسال اسلحه و مهمات از طریق آنها به منطقه، مسلح

ساختن توده‌های عشایر، به این وسیله و ایجاد موانعی جدی در راه تحکیم موقعیت و سلطه رژیم جدید در خوزستان (یا به اصطلاح بعثی‌ها حکام جدید ایران). شیوخ و روسای عشایر که عموماً وابسته و سرسپرده به رژیم شاه بودند و سالها به صورت اهرم‌های سرکوب و خفقان و عقب افتادگی فرهنگی و سیاسی انجام وظیفه کرده‌اند، به دنبال پیروزی قیام بهمن و برای نجات موقعیت متزلزل شده خود به دو صورت و از دو جهت دست به تلاش زدند. مضمون این تلاش در واقع یافتن تکیه‌گاه‌های جدید بود که بتواند با اتکا به آنها نتایج زیان‌بار خلافت قدرت ناشی از قیام را که به شدت متوجه آنها شده بود دفع نماید. بخشی از آنها که طرفی و کرمی از یک طرف و سالمی و مزرعه و آل‌علی از سوی دیگر نمایندگان برجسته‌شان محسوب می‌گردند علیرغم نزدیکی مسلم با رژیم شاه و ساواک و با روابط نیمه آشکار، دور سفره رنگینی که مدنی برای آنها گسترده بود گرد آمدند و بخش دیگری عداوت و دشمنی دیرینه خود را با بعثی‌های عراق نادیده گرفته و دست دوستی عراق را که همراه با محموله‌های اسلحه و مهمات و کیسه‌های دینار عراقی و دلار امریکائی به سویشان دراز شده بود فشردند.

۲- تبلیغات سیاسی و فعالیت رادیو تلویزیونی. گیرنده‌های رادیو

تلویزیون در اغلب نقاط خوزستان بخصوص نواحی عرب‌نشین، جنوب و غرب با اندکی دستکاری به خوبی تأدیرند برنامه‌های شبکه رادیو تلویزیون عراق را که در بصره تقویت می‌شود، پخش نمایند برنامه‌های این شبکه بخصوص برنامه‌های تلویزیونی آن در میان اعراب خوزستان از اقبال چشم‌گیری برخوردار

"عربستان" (مقصود خوزستان است) نیز اغلب چاشنی برنامه‌های خبری بودند. موضوع تبلیغات بسته به شرایط، تغییراتی پیدا می‌کنند ولی آیت‌الله خمینی همواره در گانون تمام این تبلیغات قرار می‌گرفت مسائل نظیر دفاع از حق خودمختاری

رادیو عراق بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می‌دهد. بسیاری از این اخبار بکلی جعلی هستند.

برادران عرب "عربستان" اعتراض به ادامه اشغال سرزمین‌های عربی به دست اشغالگران ایرانی (منظور جزایر تنب و ابوموسی است) اعلام آمادگی نظامی برای پاک کردن این جزایر از وجود نژاد پرستان ایرانی، اعتراض به دستگیری و کشتار اعراب مبارز "عربستان"، اعتراض به ادامه اختناق و دیکتاتوری در سرزمین‌های عربی ایران، تشدید بحران اقتصادی و بیکاری و غیره مضمون اصلی گفتارهای سیاسی این شبکه محسوب می‌گردند.

رادیو عراق همچنین بطور روزانه گزارشات و اخبار از ایران انتشار می‌دهد. بسیاری از این اخبار بکلی جعلی هستند. برای مثال

است. تنوع برنامه‌ها و عربی زبان بودن آنها دو امتیازی است که بیننده عرب را به دیدن برنامه‌های این شبکه ترغیب می‌نماید. ارگان‌های تبلیغاتی رژیم بعثی با بهره‌برداری از این امکان در طول سال گذشته متناسب با چرخش‌هایی که در سیاست آنها در قبال "جمهوری اسلامی" داده می‌شود برنامه پیوسته ولی گاه فشرده و گاه ملایمی را در زمینه تبلیغات علیه سیاست‌های ارگان‌ها و عناصر حاکمیت جدید پیش می‌برند. گفته‌های سیاسی هرروزه و بخش‌های متوالی خبری بهترین وظیفه را در این زمینه برعهده داشتند. ترتیب صحیح برنامه‌ها با "برادران عرب پنهانده" و انتشار گزارشات پیرامون وضع رفت بار برادران عرب

رادیو بصره در جریان درگذشت آیت‌الله طالقانی خبر می‌دهد که "خمینی با ریختن زهر در غذای طالقانی او را به قتل رسانیده است" و یا در توصیف ابعاد بحران اجتماعی - اقتصادی در ایران، در طول حکومت زمامداران جدید بیش از ۴ میلیون نفر در اثر گرسنگی و قحطی به هلاکت رسیده‌اند و یا اعلامیه‌های جعلی بنام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرائت

می‌نماید. اعلامیه‌های گروه‌های سیاسی "عربستان" انتشار اخبار و گزارش‌های مستند و یا فیلم‌های خبری از انفجارها و خرابکاری‌ها قسمت دیگری از فعالیت تبلیغاتی رژیم بعثی عراق است.

کمک به تشکل نیروها و جریان‌هایی که برای پیشبرد اهداف و مقاصد رژیم بعثی در منطقه مفید تشخیص داده می‌شود. کوشش در ایجاد ارتباط ارگانیک با این تشکل‌ها. سازمان‌ها و دستجات زیر از ج. این تشکل‌ها به شمار می‌روند: "الحركة الجماهيرية العربية في الايران".

این جریان بین ۲۵ تا ۳۰ خرداد ۵۸ بیانیه‌ای انتشار می‌دهد و طی آن موجودیت خود را اعلام می‌دارد. یعنی قریب ۲۰ روز پس از سرکوب خونین خلقی عرب و از هم پاشیدن "سازمان سیاسی خلق عرب" که سازمانی مشخصاً وابسته به عراق و زیر نفوذ شیوخ و روسای مرتجع و سرسپرده عشایر بود.

بقیه در صفحه ۷

x هجوم سرکوبگرانه ارتش و نیروهای مسلح رژیم به سایر سازمان‌های خلقی عرب هم‌چنین به تصرف کانون فرهنگی خلق عرب (محمرة) که جریانی دمکرات و دارای جناح‌های رادیکال بود منجر گردید. در بخش دیگر این گزارش ما به معرفی این سازمان خواهیم پرداخت.

زندان مدتی کوتاه با حمایت فیصلی توانست بوقمیت مالی خوبی برای خود دست و پا کند. این شخص به دنبال درگیری‌های خرمشهر به عراق متواری شد.

در این اعلامیه‌ها، سازمان به شدت ارتجاع حاکم در ایران را مورد حمله قرار می‌دهد.

فیصلی، جاسبی، مزار پور و دیگران از جمله معروفترین شیوخی بودند که همکاری و نزدیکی با عراق را پذیرفتند. مکی فیصلی از وابستگان به دربار بود و هم اکنون در عراق به سر می‌برد ولی سید هادی مزاری پور قبلاً به جرم جاسوسی به نمود عراق دستگیر و زندانی شده بود و پس از خلاصی از

بخصوص مایحتاج نایاب شده مردم نظیر تاید، روغن نباتی و حتی زرد چوبه مبادرت می‌نماید.

سالمی، مزرعه و آل علی از مزدوران سازمان امنیت بودند که توسط مدنی به آنها اجازه فعالیت صادقانه در راه جمهوری اسلامی ایران داده شده بود.

رژیم بعثی عراق اخیراً به منظور توزیع سلاح در میان توده‌های عرب و تشویق آنان به خرابکاری شیوه دیگری نیز به شیوه‌های سابق خود افزوده است. ماموران مرزی عراق در مناطق بستان، ابوجلاچ، خوابه و سیده در میان روستائیان عرب به توزیع اسلحه همراه با مواد غذایی نظیر برنج، روغن و

گسسته باد همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی نظامی، و فرهنگی



خوزستان :

توطئه های حکومت عراق و فعالیت عوامل وابسته ...

بقیماز صفحه ۶

"الحركة الجماهيرية... به احتمال قوی با گرد هم آمدن قسمتی از عناصر تشکیل دهنده "سازمان سیاسی خلق عرب" شکل گرفته است. مهمترین چهره آن شیخ کریم نعمه یکی از ماموران برجسته سازمان امنیت شاه است که سالها قبل برای جاسوسی از طرف ساواک به ماموریت فرستاده شده بود. عراق این شخص را دستگیر و در تحویل و تحولاتی که صورت می گرفت

می باشد. در شهر پایگاهی در میان روشنفکران و محصلین یعنی نیروی فعال سیاسی خلق عرب ندارند. قرائن و شواهد موجود نشان می دهد که این گروه هسته اصلی و سازمان یافته نیروی است که عملیات خرابکارانه و بمب گذاری چند ماه اخیر را انجام داده است.

نقش موثر الجماهيريه در انفجارات جنوب کاملاً تأیید شده است.

جنبش مجاهدین خلق سلطان عرب ایران:

تلاشی سازمان های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری ها و اعدام های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت.

تحویل ایران داده. این جریان در راهپیمایی ای که حدود ۳ ماه قبل در اهواز ترتیب داده بود، عکسهای صدام حسین را با خود حمل می کردند و آشکارا به نفع رژیم بعثی عراق شعار می دادند. در بیانیه های خود از سه اصل خودمختاری مبارزه با کمونیسم و اتحاد عشایر عرب جانبداری می کند. در برخی از اعلامیه های خود نیز از صدام حسین به نام "بطل" یا قائد اعظم نام می برد. فعالیت این گروه نسبتاً محدود است. (البته فعالیت اشکار آنها) نشریه ای منتشر می کند به نام "الثوره...". که بطور منظم انتشار می یابد افراد آن عموماً مسلح هستند و حتی در راهپیمایی ها نیز بصورت مسلح شرکت می کنند. نیروی عمده ای که این جریان در اختیار دارد، توده های عشیره ای ساکن نواحی در سوسنگرد، بستان و ابوجلاچ

این جریان نیز به دنبال متلاشی شدن سازمان سیاسی خلق عرب " به صورت فعال تری در عرصه سیاسی منطقه ظاهر شد. تبلیغ به نفع شیخ محمد طاهر و دفاع از مواضع لیبرالی وی مضمون اصلی فعالیت های این گروه را تشکیل می دهد. دعوت به انجام چند راهپیمایی در خرمشهر که طی آن بازگشت شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی به عنوان اساسی ترین خواست مطرح می شود، از جمله فعالیت های این گروه است. "جنبش مجاهدین خلق مسلمان عرب" به زعم ما جریانی است متشکل از بخشی نیروهای لیبرال با گرایش های ناسیونالیستی افراطی. عناصر اصلی تشکیل دهنده این جریان نیز به احتمال قوی از بازماندگان اصلی "سازمان سیاسی خلق عرب" و فعالین قبلی آن می باشند. این جریان هرچند کوشش بسیاری برای منز

جلوه دادن خود از تنگ رابطه با عراق و یا عناصر مرتجع محلی دارد ولی به صراحت می توان اطمینان داد که پیشنهاد کمک از سوی رژیم بعثی عراق را همواره پذیرفته است. همچنانکه حمایت مکی فیصلی و کارون و دیگر وابستگان محلی و شیوخ مرتجع و سرسپرده را. این جریان حاصل تمایلات و گرایشات شوینیستی استتار شده عناصر رهبری خود

می باشد. تمایلاتی که با تجزیه طلبی فاصله چندانی ندارند. پایگاه اجتماعی این جریان را بخشی از بورژوازی بومی عرب، لایه هایی از شیوخ که در نتیجه بسط مناسبات سرمایه داری از فئودال های عشیره نشین به سهامداران شرکت های گسترانی، حق العمل کاری، پیمانکاری و ... تغییر موقعیت یافته اند. ولی هنوز از امکاناتی که سنت و عرف عشره در اختیارشان قرار داده بهره مند هستند. و نیز بخش هایی از خرده بورژوازی شهر و روستا که تحت فشار ستم ملی به نفوذ ایدئولوژی ناسیونالیستی بورژوازی تسلیم شده اند و همچنین گروه هایی از محصلین و روشنفکران شهری تشکیل می دهند.

به همین جهت چنانچه خلاص سیاسی موجود ادامه یابد، چنانچه سازمان های سیاسی مترقی و انقلابی خلق عرب نتوانند به وظایف خطیر خود در قبال زحمتکشان خلق خود عمل نموده و در جهت برقراری پیوند هرچه وسیع تر و هرچه سریع تر با توده های زحمتکش شهر و روستا و هدایت ناراضی ها و مبارزات رو به فزونی توده ها و تشکل آنان بطور موثر حرکت نمایند، جریان اخیر در صورت فراهم شدن شرایط مناسب سیاسی خواهد توانست پایگاه خود را در میان توده های عرب گسترش دهد (فراهم شدن امکان

آزادانه تر فعالیت و یا برخورداری از حمایت جناح هایی از هیئت حاکمه که در صدد بهره برداری از بحران سیاسی منطقه برآیند و احتمال های دیگر از جمله شرایط مناسبی خواهند بود که به گسترش فعالیت و ارتباط آنها با توده های عرب منجر خواهد گردید) سیاست سرکوبگرانه هیئت حاکمه در قبال خلقها و ادامه ستم و نابرابری ملی در شرایط رشد آگاهی های دمکراتیک در میان توده های عرب خطر رشد گرایشات ناسیونالیستی در میان توده های عرب و تقویت مواضع بورژوازی عرب را افزایش داده است.

گروهها و دستجات چریکی کوچک

تلاشی سازمان های سیاسی خلق عرب در جریان تهاجم اردیبهشت ۵۸ و گسترش موج دستگیری ها و اعدام های فاشیستی ادامه فعالیت قانونی و علنی بسیاری از عناصر آگاه که پس از پیروزی قیام به میدان مبارزه سیاسی گام نهاده بودند را به شدت دشوار ساخت. قهر و عصیت ناشی از سرکوب و تلخی حاصل از پیروزی سهل الوصول رژیم حاکم برای رشد گرایشات کور انتقام جویانه، بخصوص در میان توده های جوان و تازه به میدان آمده شهری زمینه مناسبی فراهم ساخت. xx این گرایشات به ویژه در مقطعی که ستاد سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در آبادان به تصرف کمیته ها در آمده بود و فعالیت سازمان عمدتاً بسیار محدود شده بود و در شرایطی که دیگر گروهها و سازمانها به دلیل ضعف و عدم توانائی از پرداختن به مسائل خلق عرب شانه خالی می کردند، عوامل بعثی فرصت طلائی یافتند این عوامل با استفاده از

این شرایط توانستند با هسته ها و گروه های خشمگین جدیدالولاده که از کمترین تجربه سیاسی محروم بودند و مقابله با دشمن ملی خود را تنها در مقابله نظامی آنها با رسوبات چریکی می پنداشتند، رابطه برقرار سازند و با تعهد در اختیار گذاشتن سلاح و مهمات و آموزش افراد آنها نفوذ سیاسی خود را بر آنها اعمال نمایند گروه های نظیر چهارشنبه سیاه xxx و یا گروه چریکی صاعقه که هر یک طی بیانیه هایی مسئولیت یک رشته از عملیات خرابکاری در منطقه از قبیل آتش زدن انبارها، حمله به فرودگاه های آبادان و اهواز، انفجار لوله های نفت و ... به عهده گرفته اند، از این دسته محسوب می گردند.

xx در عراق به دنبال وقوع زوب خرمشهر اعلام نمود هرکسی که به انتقام خون برادران عرب خود یکی از مراکز اقتصادی - اداری - اجتماعی دولتی و یا متعلق به نژادپرستان ضد عرب را منفجر ساخته و یا طعمه حریق نماید و بتواند با مدارک مستندی اقدام خود را اثبات نماید، دولت عراق به وی ۶ هزار دینار عراقی به اضافه یک قبضه کلاشینکف و فشنگ کافی و مهمات مورد علاقه هدیه خواهد کرد.

xxx این گروه نام خود را از چهارشنبه ۹ اردیبهشت ۵۸ گرفته است روزی که نیروهای ارتش، پاسداران و شبه نظامیان محلی به سازمانهای سیاسی و فرهنگی خلق عرب خرمشهر حمله کرده و پس از به تصرف در آوردن این مراکز اعتراض توده های عرب شهری و روستائی این منطقه را با وحشیگری سرکوب نمودند.

با امپریالیسم جهانی بسر کردگی امپریالیسم امریکا

دو گرایش انحرافی مشخص...

بقیماز صفحه ۵

آقای وزیر دارایی! راه جبران کسری بودجه بیکار کردن کارمندان دولت نیست

از بی عدالتی رسوا کنند
تدریجاً در نظام مالیاتی و
دارایی حجت به میان آورده
انقلابی عمل کردن را
بستن وزارتخانهها به منته
اخراج کارمندان
درست می داند.

آقای وزیر دارایی!
جای پیشنهاد کاستن
حقوق و "مزایای" کارمندان
تا به حدی که از روی
گرسنگی کار خود را رها
بگویند چگونه باید از
نیروی فعال در جهت
نیازهای توده های محروم
زحمتکش مین ما بهره
از قریب به یک میلیون
هفتصد هزار نفر مزد و
بگیر دولت اکثریت
حقوقشان تکاوی زندگی
را نمی کند. آقای وزیر
دارایی! چرا صحبت
حقوق های ۲۰ هزار تو
و بیشتر از آن را نمی
کسانی که این حقوقه
میگیرند نیز کارمند
هستند. برای کاستن
حقوق این دسته نیاز
بستن وزارتخانهها
نه تنها کارمندان دولت
توده های محروم و
ایران خواهان
حقوقها هستند. کار
دولت سالیانه تحت
شده تورم قرار داشته
هر روز به روشنی می بیند
سهم بیشتری از درآمدها
طبق افزایش قیمت ها
سرمایه داران منتقل می
تورم روز افزون کنونی
برای کاستن از حقوق
"مزایای" توده کارمندان
دولت باقی نگذاشته
آنچه را که شما خوا
هستید.
سرمایه داران در حال
دانش هستند. این
جوان هر روز قیمت
بالا تر می برند و از ق
خرید مزد و حقوق کار
دولت و نیز کارگران و
زحمتکش مین ما می
و شما بدون آنکه
مبارک خود
می خواهید چنان
بودجه را بر سر کار
محروم بگویند.

وزیر دارایی در کنفرانس
مطبوعاتی هفته گذشته گفت
برای کم کردن هزینه دولت
باید انقلابی عمل شود
و در وزارتخانهها بسته شود
و این وزارتخانهها بنا به
احتیاجاتشان مجدداً شروع
به استخدام کنند. با اینکه
"بانوجه به وضع خانوادگی
کارمندان در آمد آنها،
حقوق و مزایای آنها را پائین
بیاوریم، به حدی که کار
برای این نوع کارمندان در
دستگاه دولتی صرف نداشته
باشد!"

این فرمایشات حکیمان
سراغاز بحث هایی است که
در هفته های آینده از جانب
مقامات دولتی برای توجیه
۴۰۰ میلیارد ریال کسری
بودجه عنوان خواهد شد.
آنچه روشن است این که
کسری بودجه به معنای
افزودن به شعله تورم
خانمان سوزی است که همراه
با بیکاری، فقر کارگران و
زحمتکش را هر روز افزون
می کند.

آقای وزیر دارایی باید
بباید بدانند که ۷۸ درصد از
درآمد دولت از محل فروش
نفت تامین خواهد شد و بقیه
آن مالیات هایی است که از
کارگران و زحمتکش گرفته
می شود. در سال گذشته
تنها ۱۷ درصد از درآمد
دولت قرار بود از محل
مالیات ها به دست آید و آن
هم عمدتاً مالیاتی بوده است
که کارگران و زحمتکش بطور
مستقیم یا غیر مستقیم
پرداخته اند. بر اساس
پیش بینی بودجه سال ۱۳۵۸
شرکت های خصوصی (سرمایه
داران) تنها ۱۲ درصد از کل
مالیات ها را پرداخته اند و
مالیات بر مستغلات و بهره
حتی به یک درصد از کل
مالیات ها نمی رسیده است
(۵/۹ درصد). در بودجه
سال اخیر نیز وضع بهتر از
این نیست. بدین ترتیب،
آقای وزیر دارایی که مسئول
جمع آوری مالیات ها و طرح
پیشنهاد برای قوانین
مالیاتی است به جای اینکه

حزب طبقه کارگری که به وظایف اولیه اش
یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه سوسیال دموکراسی
و بسیج و تشکل پرولتاریای انقلابی به منظور
کسب هژمونی طبقه کارگر، عمل نکند، حزبی
ارتجاعی است.

درکی که حزب توده از تشکلهای عینی
کارگری (سندیکا و شورا و ...) دارد درکی
فرست طلبانه و در عین حال سطحی است. او از
سندیکای طبقاتی حرف می زند ولی در عمل بدان
اعتقاد ندارد و درکش از شورا نه شورای انقلابی
بلکه شوراهای حل اختلاف و حکمیت و یا حداکثر
شوراهای مشورتی است. در آستانه قیام و پس از
آن در بسیاری از واحدهای کارگری، شوراها بر
زمینه اعتراضات و حرکات انقلابی خود انگیخته و
از درون کمیته های اعتصابی کارخانه سر
برآوردند و تشکل شورائی شکل عمده تشکل
توده های در کارخانهها گردید و نقش مهمی در
جنبش ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها و
همچنین ارتقاء سطح مبارزاتی کارگران ایفا نمود.

حزب طبقه کارگری که به وظایف
اولیه اش یعنی تبلیغ و ترویج پیگیرانه
سوسیال دموکراسی و بسیج و تشکل
پرولتاریای انقلابی به منظور کسب هژمونی
طبقه کارگر، عمل نکند، حزبی ارتجاعی
است.

مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک به
عینی ترین و مشخص ترین وجه خود، تجلی اش را
در شوراها نشان داد. مبارزه بر علیه قوانین و
آئین نامه های ضد کارگری، تصفیه و پاکسازی
بسیاری از عناصر ساواکی و مزدور، مبارزه بر علیه
سرمایه داران وابسته به دربار و امپریالیزم و فشار
انقلابی برای مصادره کارخانجات و اموال آنها و
دولتی گردنشان، به راه انداختن واحدهای
تولیدی ای که (در جریان قیام و با فشار
سرمایه داران) از کار افتاده بود و سپس کنترل و
اداره امور آن، و سازماندهی مبارزات کارگران
برای کسب حقوق صنفی و ... از جمله اقدامات
انقلابی شوراها بود. شکل گیری شوراها عمدتاً در
چارچوب عمل مستقیم توده کارگران در ابعادی
وسیع صورت پذیرفت.

اعتصاب، تظاهرات، اشغال کارخانه و
کارگاه، تحریم، تشکیل کمیته های اعتصاب یا
نبرد، تعقیب و دستگیری عناصر جاسوس و
ضد کارگر در بین صفوف کارگران تحمیل کنترل
کارگری به کارفرمایان در عمل مبارزاتی ...
از جمله اشکال مختلف عمل مستقیم کارگران
محسوب می شود.

(سندیکاهای سرخ - از اسناد کمینترن)
لنین در این رابطه تاکید می کند:
وظیفه ما این است که عمل مستقیم کارگران
را به سنگ بنای فعالیت خود بدل کنیم و این
وظیفه نیز تنها در صورتی می تواند تحقق یابد
که عمل مستقیم کارگران، اساس تاکتیک های
مارا تشکیل دهد.

ادامه دارد (از اسناد کمینترن)

تشکیلات سیاسی، میزان پیوند
تشکیلاتی اش به اندازه تئوری و سیاستش تعیین
کننده نیست و ما بر آن نیستیم که به صرف
بضاعت ناچیز این "حزب" در نفوذ و پیوند
تشکیلاتی، مسئله حزب بودن یا نبودنش را زیر
علامت سؤال قرار دهیم، بلکه محور برخورد ما
با دیدگاه سیاست و تاکتیک های آن، در قبال
جنبش کارگری ایران است. ولی ادعاهای واهی
رهبران این جریان چه در گذشته و چه حال،
همواره حاکی از تلاشی مذبحخانه در جهت تصویر
ابعادی مبالغه آمیز و دروغین از واقعیت وجودی اش
و نفوذ توده های آن بوده و هست. آقای
کیانوری یک هفته قبل از قیام، در مصاحبه ای در
خارج از کشور، وقتی که در باره اعتصابات عظیم
نفتگران از او می پرسند، به دروغ ادعا می کند که
"کارگران نفت، تنها از حزب توده، تبعیت
می کنند."

(روزنامه اطلاعات، ۱۶ بهمن ماه ۵۷)
کسی که ادعای کمونیست بودن دارد، باید
بداند که کمونیست ها هیچگاه به مردم دروغ
نمی گویند. متعاقب اعلام این نظر از سوی
کیانوری و انتشار آن در ایران، کارگران نفت
جنوب با شنیدن آن، به خشم می آیند و طی یک
تظاهرات، نفوذ و انزجارشان را از این ادعا و
این "حزب صاحب نفوذ نشان دادند. اعتراض
وسیع توده کارگران، میزان "نفوذ توده های و
درجه "محبوبیت آن را به درستی نشان داد
از قیام تاکنون نیز که دوره پر جنب و جوشی در
جنبش کارگری ایران بود، و حرکات خود انگیخته
بسیاری به وقوع پیوست، اثری از حضور و شرکت
این "حزب" در آنها دیده نشد تا تبعیت
کارگران از سیاست های آن، اساساً مطرح شود.
حزب توده عینیت حرکات کارگری را نمی تواند
و نمی خواهد ببیند و تاکتیک هایش نیز پیوندی با
خواست ها و حرکات عیناً موجود کارگران ندارد.
زیرا همانند همه رفرمیست ها اساس
تاکتیک هایش نه بر مبنای عمل مستقیم کارگران
بر علیه کارفرمایان، بلکه بر پایه مباحثات روسا
(که به نام توده ها صورت می گیرد) قرار دارد
(سندیکاهای سرخ) تبلیغ و ترویج سیاسی این
"حزب برای کارگران، نه بر محور وظایف
سوسیالیستی و یا وظایف دمکراتیک پرولتاری بلکه
حداکثر حول مصالح خرد بورژوازی، آنها در
چارچوب مبارزات قانونی صورت می گیرد و نشان
می دهد که عزمش را جزم کرده است تا آنجا که
در توان دارد تحقق صف مستقل پرولتاری را
مخدوش کرده و ضرورتش را عملاً منکر شود.
حزب توده به امر حیاتی تبلیغ و ترویج
پیگیرانه سوسیال دموکراسی و سازماندهی طبقه
کارگر برای تامین هژمونی پرولتاریا اعتقادی
ندارد. این حزب سازماندهی طبقه کارگر را
در چارچوب حزب توده ایران متبلور می بیند
و از ضرورت سازماندهی طبقه کارگر ایران،
ضرورت وجودی خود را می فهمد رفرمیست های
حزب سوسیال دمکرات روسیه در سالهای
۱۱-۱۹۱۰ نیز این شعار را موعظه می کردند که:
آنچه که برای پرولتاریا ضرورت دارد، یک
حزب طبقه کارگر است نه هژمونی آن
ولنین تاکید می کرد:

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک خلقهای ایران



گزارشی از سفر هیئت نمایندگی اتحادیه‌ها و شوراهای روستائی ترکمن صحرا به تهران

● نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراهای روستائی نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن، چه زابلی و غیره در برابر دشمن مشترک یعنی امپریالیسم و متحدان آن، که سرمایه‌داران و زمینداران هستند، با هم متحد و یکپارچه‌اند.

صحرا هستند که با تحکیم شکل خود و تقویت اتحاد و روح همکاری و یگانگی می‌توانند و باید جلوی هرگونه توطئه و دسیسه‌چینی غاصبین، زمینداران بزرگ و ایادی آنها را بگیرند و با اتحاد عمل خود نقشه‌های تفرقه‌افکنانه آنها را خنثی نمایند. وحدت ارادمو اتحاد عمل زحمتکشان ترکمن صحرا در فعالیت‌های نمایندگانی آنها در تهران که متشکل از زحمتکشان زابلی، بلوچ، فارس و ترکمن بودند بخوبی تجلی یافت. نمایندگان اتحادیه‌های روستائی ترکمن صحرا با وحدت خود نشان دادند که همه زحمتکشان چه فارس، چه ترکمن و چه زابلی در مبارزه علیه امپریالیسم و متحدان داخلی آن که سرمایه‌داران و زمینداران و مزدوران آنها هستند متحد یکدیگرند. اتحادیه‌های روستائی ترکمن صحرا در مصاحبه‌های متعدد خود که با مطبوعات و رسانه‌های گروهی به عمل آوردند، نشان دادند که این موضوع را درک کرده و کام‌های اساسی نیز در راه ایجاد فضای وحدت و تفاهم بین زحمتکشان منطقه برداشتمند

رئیس جمهور پیش امام رفته‌اند" و... مواجه شدند تا این که بالاخره موفق شدند که با دونفر از "دفتر استان‌ها" به صحبت بنشینند. دلایل و شواهد نمایندگان اتحادیه‌ها از عملکرد دولت، ژاندارمری و فتوادل‌ها در این مذاکرات بقدری دقیق و غیرقابل انکار بود که با وجود اینکه مسئولان دولتی نظر خوبی نسبت به نمایندگان زحمتکشان ترکمن صحرا نشان نمی‌دادند، نتوانستند از عهده جوابگویی برآیند و در عوض با طرح سؤال‌ها و مسائل انحرافی کوشش کردند که مسائل فرعی را عمده‌کنند. آنها عاقبت با وعده اینکه گزارشی از خواست‌های نمایندگان اتحادیه‌ها را به رئیس جمهور می‌دهند، مذاکرات را به پایان رساندند. نمایندگان اتحادیه‌های دهقانی روستاهای ترکمن صحرا پس از دو روز دوندگی و تماس با مقامات مسئول مملکتی از قبیل شورای انقلاب، مقامات وزارت کشاورزی و دفتر ریاست جمهوری و مشاهده بی‌توجهی این مقامات نسبت به خواست‌های زحمتکشان منطقه و هشدارهای آنها در رابطه با توطئه فتوادل‌ها و غاصبین به این نتیجه رسیدند که در شرایط فعلی این خود شوراهای دهقانی و اتحادیه‌های دهقانی ترکمن

اقدامات آنها از فعالیت‌های ضدانقلابی زمینداران بزرگ و حامیان آنها در ارکان‌های دولتی به منظور ایجاد نفاق و دودستگی بین اقوام ترک، زابلی، فارس و ترکمن منطقه برده برداشتند. نمایندگان سپسبه شورای انقلاب رفتند، تا در آنجا هم خواست‌های خود را مطرح کنند و از مقامات شورای انقلاب بخواهند که با آنها در جهت جلوگیری از خرابکاری‌های زمینداران بزرگ همکاری نمایند، لیکن نماینده شورای انقلاب بدون آنکه توجهی به گفته‌های نمایندگان زحمتکشان ترکمن صحرا داشته باشد، بعضی افراد مترقی منطقه را مورد اهانت و افترا قرار داد و آنها را همدست عناصر ارتجاعی و ضد انقلاب نامید او به گفته یکی از نمایندگان زحمتکشان کوچکترین توجهی نمی‌کرد که می‌گفت: "آقای فتوادل‌ها و زمینداران با همکاری مقامات دولتی جلساتی ترتیب می‌دهند و توطئه می‌کنند. صبح روز بعد ۱ خرداد ۵۹ تعدادی از نمایندگان اتحادیه‌ها به دفتر رئیس جمهور رفتند و خواستار ملاقات با ایشان شدند. لیکن با بهانه‌هایی از قبیل "آقای رئیس جمهور خسته هستند" یا اینکه "آقای

۲- ابقاء هیئت ۵ نفری حل مساله ارضی که حدود ۷ ماه پیش به منطقه اعزام شده بود. ظوماری که نمایندگان به همراه داشتند در نائید همین هیئت و اعتراض به ترکیب آن بود. ۳- تداوم پرداخت وام به زحمتکشان روستا از طریق شوراها با توجه به ضرورت کشت محصولات بهاره. پرداخت این وام‌ها همزمان با بازگشت هیئت ۵ نفره به تهران قطع شده است. ۴- از آنجا که زمینداران بزرگ و فتوادل‌ها وسایل کشاورزی از قبیل کمباین را از منطقه خارج نموده‌اند و نظر به اهمیت این وسایل برای برداشت محصول، دولت وظیفه دارد شوراها را از این نظر تامین نماید. آقای رضا اصفهانی در پاسخ ابتدا کارشکنی‌ها و محدودیت‌هایی را که توسط ارگان‌ها و افراد مسئول بر سر راه انجام وظایف ایشان ایجاد می‌شود برشمرد و ضمن حمایت از خواست‌های برحق زحمتکشان ترکمن صحرا، قول داد تا آنجا که می‌تواند در جهت پاسخگویی به مشکلات مردم منطقه اقدام کند. نمایندگان اتحادیه‌های روستائی نیز ضمن اعلام پشتیبانی از هیئت ۵ نفره حل مساله ارضی و تأکید

هیاتی از نمایندگان اتحادیه‌ها و شوراهای روستائی ترکمن صحرا جهت ملاقات با مسئولین دولتی و مطرح کردن مسائل منطقه در فصل درو و پیشگیری از توطئه‌های زمینداران بزرگ و فتوادل‌ها برای خرابکاری در امر برداشت محصول شوراها، روز ۳۱ اردیبهشت ۵۹ به تهران آمدند. نمایندگان اتحادیه‌های مناطق مختلف ترکمن صحرا (کلاله، گنبد، آق قلا، بندر ترکمن) که تعداد آنها به ۳۵ نفر می‌رسید با ظوماری که هزاران نفر از زحمتکشان روستاهای منطقه آن را امضاء کرده بودند، ابتدا با آقای رضا اصفهانی معاون وزارت کشاورزی ملاقات نمودند و مسائل خود را در چهار مورد زیر با ایشان در میان گذاشتند: ۱- اعلام حمایت دولت از شوراهای دهقانی ترکمن صحرا از طریق رادیو - تلویزیون، مبنی بر اینکه اراضی کشت شده توسط شوراها، باید توسط خود آنها برداشت شود. ۲- نمایندگان از دولت خواستند که به زمینداران بزرگ، فتوادل‌ها و ایادی آنها اخطار شود که هرگونه توطئه‌چینی و مزاحمت آنها در امر برداشت محصول با عکس‌العمل شدید دولت مواجه خواهد شد.



الف	ب	ت	ج	د	ز	ح	ط	ق	ک	م	ن	ی
۱۶۲۲۲	۱۵۰۰۱	۲۸۶۰۰	۵۱۱۱	۱۰۷۶۵	۲۴۱۹	۲۰۲۲۸	۷۲۰۲	۲۵۰۰	۲۰۰۲	۱۵۰۲	۴۲۸۸	۲۱۵۵
۱۵۰۰	۳۰۰۵	۲۵۱۵	۵۲۲۲	۱۲۲۲	۵۲۲۲	۵۱۱۱	۲۲۰۲	۹۵۲۲	۱۳۷۲۲	۱۰۲۱۵	۲۱۲۲	۸۲۲
۵۱۲۲	۳۰۰۵	۲۵۰۰	۲۰۱۱	۵۰۹	۲۵۰۱۷	۲۰۱۱	ع	۲۵۰۰	۲۰۰۲	۱۱۱۵	۱۰۸۸۸	۲۳۵۵
۱۰۶۲۵	۱۳۰۰۹	۵۱۵۰	۲۰۰۱۶	۷۲۲۲	۲۲۲۲	۲۰۰۱۶	۲۶۱۱	۲۵۰۰	۵۰۱۱	۵۲۲۲	۸۷۸۲	۲۳۵۵
۱۰۵۱۶	۱۲۹۶۶	۸۰۰	۲۱۷۸	۵۰۱۲	۱۲۲۸۰	۵۸۲۸	۱۱۰۷۶	۵۰۱۱۵	۱۹۱۵۰	۱۰۲۲۲	۵۰۲۲۵	۵۱۱۱
۱۵۱۱۹	۲۱۰۰	۲۰۱۰۰	۱۲۱۲	۵۸۲۸	۱۰۲۲۰	۲۲۵	۵۰۵۵۵	۵۰۱۹۵	۸۲۲۲	۱۰۱۱۱	۲۲۲۲	۲۰۱۱
۵۰۲۵	۵۰۳۰۱	۲۰۳۸۵	۵۰۲۰۹	۲۲۲	۲۲۵	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۰۳	۲۰۳	۲۲۱۷	۱۲۲۵۸	۱۵۱۳۰
۱۵۵۵	۲۰۳۸۵	۱۳۰۰۹	۵۰۰۰۱	۲۸	۲۸	۲۲۲	۱۰۰۰۰	۲۰۵	۲۰۳	۱۰۰۲	۱۰۰۲	۱۵۱۳۰
۲۵۲	۱۳۰۰۹	۲۲۹۸	۲۲۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۰۶۲۲	۱۲۹۶۶	۲۲۱۱	۵۰۰۰۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۰۰۵۸	۲۰۱۰۰	۲۲۱۱	۵۰۰۰۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۰۹۷	۲۰۱۰۰	۲۲۱۱	۵۰۰۰۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۲۰۷	۲۰۱۰۰	۲۲۱۱	۵۰۰۰۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۶۰۰	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۱۰۰	۱۱۱۱۱	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۳۰۰۲	۱۰۲۵۶	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۵۵۵	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۱۱	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۰۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۰۳۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۷۷۲۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۲۲۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۸۲۲۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۵۰۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۰۰۰۰	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۲۵۰۱	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۶۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۵۰۱۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۵۶۵	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۷۷۷	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۰۹۹	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۱۶۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۱۶۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۶۶۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۶۶۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳
۲۶۶۶	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۲۲	۲۰۰۶۹	۲۱۰	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳	۲۰۳

با جمع آوری کمکهای مالی

سازمان را در برسد

حسین انقلابی خلق حمایت کنیم

حسین انقلابی خلق‌های مهربان ایران شما همه حمایت و پشتیبانی مردم مهربان آسوار است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در اجرای وظایف عظیم انقلابی که برعهده وی قرار گرفته است اکنون بیش از پیش به کمکهای مالی هم‌میهنان و هواداران سازمان نیاز مبرم دارد. ما جمع‌آوری کمکهای مالی سازمان را در پیوسته‌ترین حالتی برای شما بزرگوار می‌کنیم. هنگام برداشت پول حرف اول نام خود را همراه با عددی دلخواه که اسفند می‌کنید به سازمان بدهید. کد ملی به همراه حرف اول نام شما در شش کسار چاپ خواهد شد تا شما از رسیدن کمکها به سازمان مطلع شوید.

کمکهای مالی دریافت شده

قابل توجه رفقا!

با توجه به اینکه گاهی فاصله زمانی ارسال کمکهای مالی از جانب شما و تخلیه و چاپ کدها میسر نمی‌گردد، در دو یا سه هفته می‌گذرد، در صورت چاپ شدن کدها به مبلغ خود بعد از سه هفته در این مورد تذکر دهید.



فدائیان سر بازان و ...

آویهنک

بقیه از صفحه ۱۲
سنجد

دوشنبه ۵ خرداد

مردم آگاه و قهرمان پرور روستای ویهنک جنازه رفیق فدائی "توفیق رجب پور" را طی مراسم خاصی به خاک سپردند. رفیق فدائی "توفیق رجب پور" در نبردی با نیروهای ارتش در جبهه حسن آباد به شهادت رسید. نیروهای ارتش با پرتاب خمپاره اقدام به پیشروی نموده و قصد داشتند مسیر پشت فرودگاه را تصرف کنند. در سه روز گذشته بیشرگه‌ها گام به گام در مقابل تهاجم آنها دلیرانه ایستادگی کرده و این درگیری هنوز ادامه دارد. در مراسم تشیع جنازه رفیق یکی از ریس سفیدان روستا سخنرانی کرد و سپس یکی از پیشمرگه‌های سازمان جریبه‌های فدائی خلق ایران در رابطه با گذشته مبارزاتی رفیق و وضعیت فعلی کردستان سخنرانی کرد.

دوشنبه ۵ خرداد

بیشمرکه شجاع فدائی رفیق "اقبال اصلانی" با خون خود پرچم سرخ رهایی زحمتکشان را خونین‌تر نمود. فدائی شهید رفیق "اقبال" همانند یک فدائی واقعی کمونسست‌وار زندگی کرد، دلیرانه جنگید و صادقانه جان داد. رفیق "اقبال" همراه رفقای دیگرش "جمیل بخجالی" و "صدیق زارعی" جز رفقای بودند که از دبیرستان نظام صنعتی "مسجد سلیمان" به سازمان ما ملحق شده بودند. هر سه رفیق راه زحمتکشان را تا پای جان پیش گرفتند. جنازه رفیق با شرکت اهالی شهر و همراهی پیشمرگان طی مراسمی به خاک سپرده شد. در این مراسم یکی از روسائیان و یکی از پیشمرگان سازمان درباره جنبش مقاومت سخنرانی کردند.

بانه سه شنبه ۶ خرداد

به دنبال درگیری میان پیشمرگان جنبش مقاومت با یک ستون زرهی در گردند "خان" که منجر به نابودی کامل ستون مزبور گردید، بقایای نیروی اعزامی از قزوین با حمایت فانتوم‌ها و هلی‌کوپترها که تمام مسیر را زیر آتش سلاح‌های سنگین و راکت گرفته بودند پیروی نموده و خود را به تیسنر می‌رساند و در پیم پیزی و فرودگاه نازده و مسیر جاده سردست و جاده مریوان دستگیر می‌شوند. تمام مردم شهر بانه را تخلیه کرده و به روستاها رفتند. هلی‌کوپترها هر روز روستاهای اطراف را با سلاح‌های سنگین مورد حمله قرار می‌دهند که در روزهای اخیر عددی از مردم در نتیجه این حملات وحشیانه به شهادت رسیده‌اند. ارتش طی روزهای گذشته برای رسیدن به بانه تلفات بسیار سنگینی متحمل گردید و دهها نفر از افراد آن کشته و بیش از صد نفر به اسارت درآمدند و تعداد زیادی از

تانک‌ها و خودروها و مهمات آن به دست نیروهای جنبش مقاومت افتاد.

شهر خالی از سکنه بانه به دست ارتش افتاد. مردم نمی‌توانند حضور سرکوبگران و فانتوم فرزندان خود را در شهر تحمل نمایند

سنجد

شنبه ۱۰ خرداد ارتش مانع بازگشت مردم آواره سقز به خانه و کاشانه‌شان می‌باشد. به دنبال حمله غافلگیرانه ارتش به سقز و محاصره و گلوله‌باران بیش از یک ماه شهر عده زیادی از مردم بی دفاع که خانه و کاشانه‌شان بر سرشان خراب شده بود و یا افرادی از خانواده خود را از دست داده بودند، آورد شهرها و روستاهای اطراف شدند که دهها هزار نفر از این عده (طبق آمار ساد امداد بوکان بیش از ۳۰ هزار نفر) به شهر بوکان پناه آوردند و از طرف مردم در اردوگاهها، مدارس و منازل اسکان داده شدند. مردم سقز پس از تحمل بیش از یک ماه

آوارگی و کمبودهای فراوان از فیل نبودن مواد غذا، درمان، وسایل بوخت پوشاک، چادر، پتو و ... به دلیل محاصره اقتصاد کردستان و بددندان آرا شدن سبی شیر سقز، مینبکی در بوکان با حضور هزاران نفر و نمایندگان نیروهای سیاسی عضو هیئت نمایندگی خلق کرد تصمیم به برگشتن به خانه‌ها، ویران خود می‌گیرند. ازلیه دسته‌ای که روز بعد از خرداد وارد سقز می‌شوند مورد حمله ارتش قرار گرفته افرادی از آنان که اکثر زنان و دختران جوان هستند اسیر می‌شوند و شب نیز مناطق مختلف سقز اطراف بادکان زیر آتش توپ و خمپاره و سایر سلاح‌ها سنگین قرار می‌گیرد، که عددی کشته و زخمی خانم‌های زیادی برآورد می‌شود. آوارگان که به سقز برگشته‌اند، دوباره مجبور به ترک شهر می‌شوند و بازهم بر تعداد آوارگان افزوده می‌شود.

بازدهمین کنگره شوراهای روستایی ترکمن صحرا

● "حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه مبارزات گذشته ما محصولی است که شورایی

گشت گردیده و می‌باید که شورایی هم برداشت شود."

بمحصول و حفظ و حراست از آن به روستائیان یادآور شدند. یکی از اعضای اتحادیه سراسری ضمن سخنان خود گفت:

"حاصل دسترنج و زحمات چندین ماهه و مبارزات گذشته ما محصولی است که شورایی گشت گردیده و می‌باید که شورایی هم برداشت شود. زمینداران بزرگ همانطوری که همواره نشان داده‌اند به هیچوجه دست از توطئه برخواهند داشت و به‌عنوان مختلف می‌خواهند محیط را متشنج کنند و دسترنج ما را از بین ببرند. همه شوراهای روستایی باید با هوشیاری تمام به حفاظت از محصول بپردازند. نگهبانی دهند و این محصول را که در واقع

"محصول شوراهای ترکمن صحرا، در صورتی که بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و حامیان آنها صورت بگیرد قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد."

بازدهمین گردهمایی شوراهای روستایی ترکمن صحرا، نخستین بار پس از جنگ تحمیلی بهمن ماه، روز سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۵۹ در روستای "آق دگیش" برگزار گردید. در این گردهمایی که مصادف بود با یکصدمین روز شهادت ۳ تن از اعضای شوراهای روستایی "آق دگیش" و "کولی بایندر" - "کاکا بزمونه"، "امان دردی" - "توماچی پور" و "محمدسرشار" مسئله برداشت محصول مورد بررسی قرار گرفت و چند تن از اعضای اتحادیه سراسری رهنمودهای اتحادیه را پیرامون چگونگی برداشت

اتحادیه‌های روستایی ترکمن صحرا در هنگام برداشت محصول، از همه جوانان روستا، محصلین و معلمین خواست تا مثل همیشه در کنار زحمتکشان و همراه با آنان با توطئه‌ها و جنگ‌افروزی‌های زمینداران بزرگ و خرابکاری آنها در امر برداشت محصول مقابله نمایند. وی سپس ضمن محکوم نمودن سرکوب و کشتار خلق کرد اظهار داشت که در این شرایط امپریالیسم آمریکا به انواع حیل‌ها متوسل می‌گردد تا مبارزات انقلابی مردم ایران را سرکوب نماید. فرماندهان مزدور ارتش نیز برای حفظ منافع اربابان خود به کمک سایر دوستان و جاسوسان امپریالیسم سعی می‌کنند با جنگ‌افروزی مردم میهن ما را در مقابل یکدیگر قرار دهند. او اعلام کرد که:

"خلق قهرمان کرد در واقع مصائب این سیاست

متعلق به همه مردم ایران است، در شرایط حساسی که آمریکای جنایتکار توطئه‌های رنگارنگی تدارک دیده است حفظ و حراست نمایند و جلوی هرگونه اجحاف و فشار به زحمتکشان را بگیرند. محصول غله ترکمن صحرا در صورتی که با هوشیاری شوراهای اتحادیه سراسری بدون خرابکاری زمینداران بزرگ و فئودال‌ها و حامیان‌شان صورت بگیرد، قادر است پاسخگوی بسیاری از نیازهای مردم میهن ما باشد. باید به این مسئولیت خطیر توجه داشت باشیم و توطئه زمینداران و عوامل امپریالیسم را در هر لباس و مقامی خنثی کنیم." آنگاه یکی دیگر از اعضای اتحادیه سراسری ضمن تاکید بر ضرورت همکاری هرچه بیشتر مردم با شوراهای

را به دوش می‌کشد و تنها بدخاطر خواست‌های بحق و عادلانه‌اش اینچنین به توپ و خمپاره بستن می‌شود. برای زحمتکشان ترکمن صحرا کاملاً روشن است که اینگونه جنگ‌های تحمیلی در جهت منافع چه کسانی است و آنگاه از تشکل و اتحاد مردمی می‌ترسند که گسسته هستند."

در خاتمه پیام گردهمایی شوراهای ترکمن صحرا به خلق قهرمان کرد قرائت گردید. یکی از اعضای خانواده شهدا ضمن اشاره به سابقه مبارزاتی آنان، در مورد علل جنگ‌های تحمیلی فروردین و بهمن ماه ترکمن صحرا سخنانی ایراد نمود.

گردهمایی که از ساعت ۱۰ صبح آغاز گردیده بود ساعت ۱۲/۵ پایان یافت و کلیه شرکت‌کنندگان برای تجلیل از اعضای شهید شورای روستایی "آق دگیش" دسته‌جمعی به خانه‌های آنان رفتند.

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند



چایکاران زحمتکش شمال با تمام تلاش خود در پی بهبود تولیدند، لیکن عدم توجه دولت به خواسته ها و نیازهای مردم عملا راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است

امروز ۱۵ ماه سی از فنام، گری... کمبود کالاها، نگاری و... هر روز بیش از پیش زحمتکش میهن ما را بر سر خار خردکننده خود قرار می دهد. در این میان امپریالیسم آمریکا این دشمن اصلی همه زحمتکشان جهان بر سر فساد اقتصادی، سیاسی و نظامی خود را بر مردم ما تحمیل می نماید تا ساید ما بر اسفاده از بازرگانی های موجود بتواند حکومت دست ساده خود را بر زان قدرت ساند. لیکن مردم مبارز ایران، اگرچه هر روز بار ملاک رورافرون اقتصادی اجتماعی و سیاسی خود را بر دوش خود احساس می کنند اما صاحب صدخلقی ساسهای امپریالیسم و دستان و حاکمان آن راه حربه درمی یابند و هرچه ستر می فهمند که تنها راه چات، انکاء بر نیرو و توان بازرگانی خود در حلال

مشکلاتشان و مبارزه هر چه سی امان تر با امپریالیسم، سرمایه داران و زمینداران بزرگ است. آنها علیرغم ناتوانی دولت در برخورد با مشکلات متعدد زحمتکشان، علیرغم بی برنامگی سازمانها و مقامات دولتی و علیرغم مشکلات متعددی که بر سر راه حل مشکلات فوق توسط خود مردم ایجاد می کنند، با تلاش و کوشش شبانه روزی شان امر تولید را پیش می برند. پیروزی دهقانان ترکمن صحرا در امر افزایش تولید تنها یک نمونه از قدرت شگفت انگیز زحمتکشانی است که از طریق شوراهای واقعی شان سرنوشت کاشت و داشت و برداشت را خود برعهده دارند. زحمتکشان ترکمن صحرا طی سال گذشته علیرغم کشتار و سرکوبی که به آنها تحمیل شده است، موفق شده اند محصولات خود در برخی مناطق حتی تا

حدود ۴ برابر افزایش دهند. نامه زیر سر که از طرف عده ای از چایکاران شمال به دست ما رسیده است، نمونه دیگری است از اینکه چگونه زحمتکشان با تمام تلاش خود در پی بهبود تولیدند، لیکن ندانم کاری بی برنامگی و عدم توجه دولت به خواسته ها و نیازهای مردم عملا سد راه تلاش انقلابی آنها در جهت بهبود وضع اقتصادی کشور است.

هراس از کوباه کردن دست سرمایه داران و زمینداران بزرگ، از طرف هر مقام و سازمانی که صورت بگیرد، چه خواهد و چه خواهد بهترین زمینه را برای اعمال فشار امپریالیسم فراهم می آورد. این نکته را در نامه چایکاران شمال حوسی می توان دید:

سردبیر رورنامه کار ما عده ای از کشاورزان چایکار شمال در عصری که دولت (حامی مستضعفان) خود را حامی کارگران و کشاورزان می داند و هر ساعت شعار می دهد که کارگر کشاورز با کوشش تولید را اضافه کنید تا ما از وابستگی اقتصادی و فرهنگی به امپریالیسم نجات یابیم. متأسفانه عکس آن شعار را می بینیم. ما با تلاش شبانه روزی خود و فرزندانمان و کارگران

زحمتکش تولیدات حای را نسبت به سال گذشته اضافه نموده ایم و در عصری که خرید چای انحصارا در دست دولت (حامی مستضعفان) است در این هفته از تاریخ ۲/۱۸ الی ۲/۲۴ فقط یک روز محصول چای از کشاورزان خریداری نموده است. دولت با این عمل خود ضررهای جبران ناپذیری به کارگران و کشاورزان تحمیل نموده است و مطلع هستید که با ظرافتی که برگ سبز جای دارد باید برگ سبز چیده شده غیرتحویلی را بدور ریخت و ما کشاورزان را از نظر مادی و معنوی واسه بر به کشورهای امپریالیستی می نماید. لهذا ما از رورنامه لطیفه کارگران و کشاورزان می خواهیم که صدای رسای ما را به گوش هم میهنان عزیزمان برسانند.

عده ای از چایکاران شمال

پیام سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران به خلقهای قهرمان ایران و همه نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست

بیس از دوماه است که آتش جنگ تحمیلی در کردستان برافروخته اند. این جنگ تاکنون به قیمت شهادت و مجروح شدن هزاران نفر از زنان و مردان و کودکان بیگناه کرد تمام شده است و هر روز ابعاد فاجعه میزبانی به خود می گیرد. بدون تردید سدید مخاصمات موجود در کردستان در موقعیتی که مردم ما درگیر یک مبارزه تاریخی و سرنوشت ساز با امپریالیسم جهانی به سرگردگی امپریالیسم آمریکا می باشند و در موقعیتی که بیش از هر زمان دیگر وحدت نیروهای ضد امپریالیست یک ضرورت بنیادی است به مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهن ما لطبات جدی وارد خواهد ساخت. امپریالیسم آمریکا و همه متحدان داخلی آن بیش از هر زمان دیگر بر آن شده اند به هر قیمتی که شده مبارزات مردم ما علیه امپریالیسم را به مبارزات میان صفوف مردم بدزد کنند و با ایجاد و دامن زدن به جنگ برادرکشی وحدت خلقها و زحمتکشان ایران را خدشه دار سازند. هم اکنون در برخی مناطق کردستان دستجات مطرح وابسته به رژیم بعث عراق و پس مانده های رژیم سرنگون شده سلطنتی به مثابه کارگزاران و عوامل امپریالیسم جنایتکار آمریکا می کوشند آتش جنگ برادرکشی را همچنان شعله ور نگاهدارند از جانب دیگر محافل جنگ افروز در حاکمیت نیز با نادیده گرفتن حقوق عادلانه و طبیعی خلق کرد و با سیاست های جنگ طلبانه خود زمینه لازم را جهت گسترش میدان عمل نیروهای وابسته به امپریالیسم در منطقه را فراهم می آورند (اعزام نیروی ارتش و سپاه پاسداران جهت سرکوب، محاصره اقتصادی یعنی بستن راه ورود هرگونه مایحتاج عمومی و تبلیغات مسموم کننده علیه نیروهای سیاسی مسئول در کردستان، نتیجه ای جز تشدید درگیری ها و نابود ساختن فضای تفاهم آ میر جهت حل مسالمت آمیز مسئله کردستان نخواهد بود. تمام آن نیروها و

عناصری که به سرکوب خواسته های عادلانه خلق کرد می اندیشند یک بار برای همیشه باید بدانند که برای مسئله کردستان راه حل نظامی وجود ندارد و هر کوششی در این زمینه همانند تهاجم گذشته با شکست روبرو خواهد گردید و عواقب آن متوجه همان کسانی است که نمی خواهند خواسته های عادلانه خلق کرد را مورد تأیید قرار دهند. چنین اوضاعی بدون تردید نگرانی عمیق همه نیروهای انقلابی و همه آنها را که به پیروزی نهایی مردم ما در مبارزه ضد امپریالیستی می اندیشند برمی انگیزد بدین لحاظ ما ضمن دفاع از حقوق عادلانه خلق کرد از تمام کوششهایی که متضمن برقراری صلح در کردستان باشد قاطعانه حمایت می کنیم و با تمام نیرو جهت تحقق آنها تلاش می نماییم اما با کمال تأسف مشاهده می شود تمام کوششهایی که از جانب نیروهای مسئول منطقه جهت برقراری آتش بس و آغاز مذاکرات به عمل آمده بواسطه عملکرد نیروهای جنگ افروز و تمام آنها را که موجودیت خود را در گرو مخاصمات موجود می دانند با شکست مواجه گردیده است و دولت همچنان به سیاست لشکرکشی خود به کردستان ادامه می دهد و در روزهای گذشته علیرغم اینکه رئیس جمهور بنی صدر در چند مورد اعلام نمود خواسته های خلق کرد مورد تأیید قرار گرفته است و هیئتی جهت آغاز مذاکره به کردستان خواهند رفت، اما رئیس جمهور حاضر به اعلام رسمی پذیرش آنچه از جانب خود وی طرح شده بود نگردید. هیچ هیئتی نیز برای مذاکره به منطقه نیامد و رئیس جمهور عملا تسلیم سیاست نیروهایی گردید که قصد دارند به هر قیمت مسئله کردستان را از راه تشدید جنگ تحمیلی حل نمایند. حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان چریکهای فدائی خلق ایران به خاطر تحکیم صفوف نیروهای ضد امپریالیست میهنان و جلوگیری از جنگ برادرکشی در کردستان یک بار دیگر از رئیس

جمهور بنی صدر می خواهد که بطراب اصلاحی دولت را نسبت به شن اصل خود بخاری پیشنهادی از جانب حزب دمکرات رسماً اعلام نماید. پذیرش رسمی این خواسته ها همراه با اعلام آتش بس و پایان محاصره اقتصادی کردستان فضای لازم جهت گفت و سود و حل مسالمت آمیز مسئله کردستان را بار خواهد نمود. ما بار دیگر جدا و قاطعانه از مقامات مسئول و همه آنها را که نگران سرنوشت مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم میهنان هستیم می خواهیم از تلاش نیروهای مسئول در کردستان حاضر برقراری صلحی عادلانه مددانه حمایت به عمل آورند. خلق کرد و نیروهای سیاسی مسئول آن به استناد تمام شواهد عینی هیچگاه جنگ طلب نبودند و امروز نیز از هر اقدامی که منضم برقراری صلح در کردستان باشد با تمام توان خود حمایت می کنند. ما مردم مبارز میهنان را به داوری و کمک می طلبیم و از آنها می خواهیم با محکوم نمودن عناصر و عوامل جنگ افروز از کوشش سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و حزب دمکرات کردستان ایران در برقراری صلح در کردستان حمایت کنند. باید که با حقوق بخشیدن به اتحاد و برادری همه خلقهای ایران سلطه امپریالیسم جنایتکار آمریکا را از جانب اجتماعی میهنان براندازیم و با تأمین حقوق زحمتکش و خلقهای ستمدیده، ایرانی آزاد و دمکراتیک را بنا نسیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
حزب دمکرات کردستان ایران
۷ خرداد ماه ۱۳۵۹

اخبار کردستان

نارضائی سربازان و درجه داران ارتش از جنگ کردستان پیوسته افزایش می یابد

سردشت شنبه ۳ خرداد از چند روز قبل به دنبال سقوط پایگاه ربط و پاسگاه کلفه پرسنل مستقر در پایگاه تلاش اعتصاب غذا کرده و غذای ارسالی پادگان را نمی پذیرند. این افراد به دستگیری ۲۷ نفر از پرسنل این پایگاه که ۱۲ تن از آنها در پادگان سردشت و ۱۵ نفر دیگرشان در پادگان کرمانشاه زندانی هستند معترض می باشند. برطبق اخبار رسیده اختلافات شدیدی در میان پرسنل پادگان سردشت نیز بروز کرده است که بیشتر ناشی از نارضایتی این پرسنل از درگیری های اخیر کردستان و عدم تمویض بموقع نیروهای داخل پادگان است.

ارتش قصد محاصره شهر بانه را داشت با پیشمرگان در محل (گردنه خان) آغاز شد

هلی کوپترهای نیروی هوایی لفظهای از بالای ستون دور نمی شدند و مرتباً مواضع شهید و دوتن دیگر زخمی شدند.



بانه دوشنبه ۵ خرداد - اولین ساعات تب ۴ خرداد ۵۹ درگیری میان ستون عظیمی که به پشتیبانی چندین تانک و زرهپوش و در زیر پوشش هلی کوپترهای

این درگیری به مدت ۸ ساعت ادامه داشت و در پایان از آن ستون عظیم نظامی جز تعدادی کشته و زخمی و ۵ فروند تانک منهدم شده و تعداد کثیری اسیر چیزی به جای نمانده بود. درگیری هنگامی آغاز شد که

پیشمرگان را گلوله باران می کردند. در این درگیری ۵ فروند تانک منهدم شد و ۹ فروند دیگر نیز به دست پیشمرگان افتاد. علاوه بر این ۵۸۰ نفر از بقایای ستون از جمله فرمانده آن دستگیر شدند.

پیشمرگان کلیه مهمات ستون را مصادره و مواد غذایی همراه آن را میان مردم بانه که حدود یک ماه در محاصره شدید اقتصادی به سر می برند تقسیم کردند. **بقیه در صفحه ۱۰**

کارگران چاپخانه یادگاران در برابر توطئه انحلال شورا و اخراج شش تن از کارگران مقاومت می کنند

کارگران چاپخانه یادگاران پس از تعطیل روزنامه آبنندگان و مدتی بلاتکلیفی و سرگردانی، سرانجام پس از آنکه این چاپخانه تحت کنترل بنیاد مستضعفین درآمد به سر کار خود بازگشتند. کارگران برای دفاع از منافع و خواست های خود شورایی تشکیل دادند که این شورا به گواهی عموم کارگران از آغاز تشکیل تاکنون در جهت تامین منافع و خواست های کارگران پیگیرانه تلاش نموده و گام های موثری برداشته است. این چاپخانه به واسطه تیراز محدود روزنامه صبح آزادگان در آمد نازلی داشت و مدیریت چاپخانه همواره می کوشید تا بخاطر درآمد محدود آن فشار ناشی از هزینه چاپ را بر حقوق و مزایای کارگران سرشکن کند و کارگران را بیش از پیش در مضیقه قرار دهد. ولی هر بار شورا، در دفاع فعالانه از منافع واقعی کارگران، مانع از اقدامات ضد کارگری و اجحافات مدیریت چاپخانه می شده است و در مقابل انواع بهانه ها و اشکال تراشی های او با پیشنهادات عملی و سازنده اش راه را برای سنگ

اندازی ها و اخلاص مدیریت بر علیه کارگران و شورا می ست. بعنوان مثال، شورا در برابر این مسئله کسه چاپخانه بخاطر تیراز محدود صبح آزادگان ضرر می دهد به مدیریت پیشنهاد کرد کسه چاپخانه برای جلوگیری از این ضرر، کارهای مختلف چاپی (روزنامه، نشریه و ...) را قبول کند و منحصرأ به انتشار محدود صبح آزادگان متکی نباشد. ولی مدیریت چاپخانه که خود را در مقابل پیشنهادات منطقی نمایندگان شورا ناتوان می بیند، چاپخانه را به سپاه پاسداران واگذار می کند و این دو را مستقیماً در مقابل یکدیگر قرار می دهد. مدیریت چاپخانه از همان آغاز این واگذاری به مسئولین سپاه پاسداران "هشدار" می دهند که "تکلیف تان را با شورا یکسره کنید چون که این شورا در کارها خیلی دخالت می کند" و متعاقب آن می بینیم که مسئولین سپاه به محض ورودشان به چاپخانه، اولین اقدامی که می کنند تهاجم به شورا و انحلال خودسرانه آن است. آنها بدون آنکه به خواست های کارگران توجهی بنمایند دست به چنین

اقدامی می زنند که با واکنش اعتراضی عموم کارگران مواجه می شوند. کارگران در برابر انحلال خودسرانه شورا بوسیله پاسداران در رأس خواست هایی که مطرح کرده بودند بر تحکیم و تثبیت شورایشان تاکید می کنند. اما مسئولین سپاه پاسداران نه تنها انحلال شورا را اعلام می کنند بلکه تصمیم می گیرند که شش نفر از کارگران مبارز را (که ۳ نفرشان از نمایندگان شورا هستند) تحت عنوان "ضد انقلاب و اخلاص" اخراج نمایند. این اقدام توطئه آمیز و ضد کارگری مسئولین سپاه پاسداران درست در شرایطی صورت می گیرد که با چاره اندیشی مسئولانه شورا، کارگران تصمیم داشتند همگی سر کارها حاضر شوند و خواست های خود را حین انجام کار پیگیری نمایند. ولی وقتی که کارگران با اخراج نمایندگان خود مواجه می شوند بطور یکپارچه دست از کار می کشند و بعد از چند روز وقتی که تمام کارگران در مقابل چاپخانه جمع می شوند تا با نماینده سندیکای چاپ و وزارت کار ملاقات کنند، ۵ نفر از کارگران اخراج شده توسط پاسداران بازداشت

می شوند. کارگران مبارز چاپخانه یادگاران در خلال این جریان به روشنی در می یابند که هدف توطئه مشترک مدیریت چاپخانه و مسئولین سپاه، قبل از هر چیز اخراج کارگران آگاه و فعال و همچنین انحلال شورای انقلابی چاپخانه بوده است. کارگران می گویند: "از آنجا که شورای ما جز تلاش پیگیرانه در جهت دفاع از حقوقمان و تامین خواستهای ارائه راه حل های اصولی و سازنده در جهت حل مشکلات کارگران و چاپخانه قدیمی برداشته است، ما انحلال شورابمان را عملی ضد کارگری دانسته و اینگونه اقدامات را محکوم می کنیم". کارگران چاپخانه یادگاران بطور یکپارچه اعلام داشته اند که "ما بدون حضور همه کارگران این چاپخانه و بدون وجود شورا حاضر به ادامه کار نیستیم" به دنبال آن سپاه پاسداران ۵ کارگر بازداشت شده را آزاد کردند ولی از آنجا که هنوز خواست های اصلی کارگران یعنی تثبیت شورا، بازگشت کارگران اخراجی بر سر کار بی پاسخ مانده است کارگران همچنان به مقاومت خود ادامه می دهند.

یادش یاد پانزده خرداد گرامی یاد

پانزدهم خرداد سالگرد قیام خونین خرداد ۴۲، یادآور روزی خویشتن در تاریخ مبارزات حماسه آفرین خلقهای دلاور میهن ماست در خرداد خونین ۴۲ توده های خلق ما در مقابل ارتش تا بن دندان مسلح دولت ضد خلقی شاه دست به مقاومتی تا پای جان زدند و حماسه ها آفریدند. حرکت مبارزه جویانه مردم ما، ماهیت اصلاحات امپریالیستی را که هدف تشدید غارت و استثمار خلقهای میهن ما طراحی شده بود، برملا ساخت و نشان داد که رفقه های شاهانه نمی تواند مردم ما را از مبارزه برای سرنگون ساختن رژیم شاه و سلطه امپریالیسم بازدارد.

قیام پانزده خرداد با مصونی صدامیریالیستی شکل گرفت. توده های شهری در تهران و سپس شهرستانها به خیابان ریختند و با تظاهرات و مقاومت خود، کینه و نفرت عمیق خود را به امپریالیسم و رژیم دست نشانده اش فریاد کشیدند. شاه دستور سرکوب مبارزات را صادر کرد. فرماندهان مزدور مردم سی سلاح را در خیابانها به گلوله بستند و هزاران تن از مردم زحمتکش میهن ما را به شهادت رساندند. پرسنل انقلابی ارتش اسلحه های خود را علیه فرماندهان مزدور نشانه رفتند و به صفوف مردم پیوستند. ارتش سرانجام با کشتار هزاران نفر در تهران و شهرستانها قیام را فرو نشاند. قیام پانزده خرداد اگر چه سرکوب شد، اما توانست درسهای گرانبهایی برای مردم به بار آورد. نیروهای انقلابی خلق پس از پانزده خرداد مبارزات خود را با تشکلهای نوینی گسترش بخشید و حرکت های نوینی را سازمان دادند.

بذری که در ۱۵ خرداد پاشیده شد، با خیزش توده های خلق در سال ۵۶ رژیم شاه را به گور سپرد و شاهنشاهی دوهزار و پانصدساله را سرنگون ساخت ما با تحلیل از خاطره شهدای دلاور ۱۵ خرداد و تمامی شهدای راه استقلال و آزادی ایران یکبار دیگر پیمان می بندیم که برای تحقق آرمان شهدای خلق، همه توان خود را علیه امپریالیسم امریکا، این دشمن همه زحمتکشان جهان و متحدان داخلی آن به کار گیریم و در راه پیروزی خلق کبیرمان از نثار خون خود دریغ نکنیم. **یادشدهای پانزده خرداد و تمامی شهدای خلق گرامی یاد**

فرماندهان نظامی در فکر کودتا هستند

۲- گروه مذهبی و مسلح پایگاه که حدوداً ۵۰ نفر هستند و از اعضای انجمن اسلامی می باشند. قبل یعنی جمعه به ماسک پوشی گردان امرام خانی بودند و پادگان از وجود آنان خالی بود. ۳- سرکرد کلین فرمانده عملیات پایگاه و سرهنگ فریاد پانزده خرداد با حمله و سرکشی نماینده امام (آقای رضوان) را برای مدت ۲۲ ساعت از پایگاه خارج می کند. موارد فوق نشان می دهد که چگونه فرماندهان ارتش به راحتی و آزادانه در بی توطئه های خود هستند. علیرغم هشدارها و انگیزه های که از جانب نیروهای سیاسی، انقلابی و تره خواه مکرراً صورت گرفته است همچنان ترکیب و نظام امریکایی حاکم بر ارتش دست نهموده باقی مانده است. هر چند این توطئه فلا قادر نخواهد بود که در برابر عزم راسخ خلق های مبارز ایران به جایی برسد ولی خطر در بره های ارتش و نظامی و حفظ و بقایای ساختمان پستین ارتش و ایالتی همسان فرماندهان خاموشیت امریکایی به جایی هموار کردن راه برای تسلط امپریالیسم امریکا و مستعمران و جاسوسان آن به جایی پست کردن به منابع خلق و زحمتکشان است.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

اکثریت و اقلیت

بقیه از صفحه ۱ ضمیمه

پافته بود. حال آنکه با رفقای اقلیت چنین ادراک مشترکی هرگز وجود نداشته است.

رفقا حاضر نیستند موضع خود را نسبت به آن تئوری عامی که این یا آن عمل خاص را تبیین می‌کند، مشخص کنند. رفقا حاضر نیستند روی آن ساخت ایدئولوژیک که مبانی فکری و تئوریک این یا آن خط مشی را مشخص می‌سازد، موضعگیری کنند. رفقا می‌خواهند جدا از هر گونه مبانی فکری مشترک برای ما خط و برنامه تدوین کنند. حال آنکه درست بر عکس بر اساس ادراکات واحد ایدئولوژیک است که کمونیست‌ها به تدوین خط مشی و برنامه استراتژی و تاکتیک خود کمر می‌بندند. گمانکنیم پس از دستیابی اکثریت به حداقل مبانی، برای انجام وظایف مبرمی که مبارزات حاد طبقاتی برعهده سازمان گذاشته بود، با تدوین و انتشار ضمیمه کار ۳۵ به پاسخ مشخص برای پاره‌ای مسائل دست می‌یابیم.

همانگونه که اشتباه بزرگی خواهد بود هرگاه تصور کنیم که ما از طریق تحلیل‌های متفاوتی که از مسائل عملی کنونی با "حزب توده" داریم، مرزبندی خود را با این جریان مشخص می‌کنیم. درک متفاوتی که ما از ظرفیت انقلابی و ضدانقلابی طبقات اجتماعی و وظایف اساسی مارکسیسم - لنینیسم‌ها در مبارزه طبقاتی داریم، درک متفاوتی که ما با "حزب توده" از انترناسیونالیسم پرولتری داریم، ما را بر آن می‌دارد که از قیاس بتوانیم مشخص کنیم که مثلا اپورتونیسیم راست حاکم بر "حزب توده" چه تحلیلی از موقعیت مشخص امروز ارائه داده و چه وظایفی را برای کمونیست‌ها در شرایط کنونی توصیه و تاکید می‌کند.

یک رشته اختلافات اساسی و اصولی ما را از اشرف دهقانی جدا می‌کند. اختلاف ما با اشرف با این است که ما بر اساس اختلاف که به یک مسئله مبرم، عاجل و مشخص مربوط می‌شود، تعریف نمی‌شود بلکه ما مطمئن هستیم که چون ما دو بینش کاملا متفاوت داریم، چون ما ایدئولوژی و جهان بینی پرولتاریا را می‌پذیریم و اشرف آن را نمی‌پذیرد، است که ما را در اساس در دو سو قرار داده است. بحث بر سر مسائل مشخص وقتی مفید، خلاق و سازنده و وحدت آفرین است که از قبل روشن نباشد که دو جریان فکری که بنیادهای ایدئولوژیک جداگانه‌ای آنها را از هم جدا می‌کند، در برابر هم صف کشیده‌اند. این حرف کاملا درست است که تمام مادی هر اختلاف اصولی در پاسخگویی به این یا آن مسئله مشخص تبلور می‌یابد و از طریق پاسخگویی به مسائل مشخص است که در عمل نشان داده می‌شود که وحدت اصولی وجود دارد یا نه اما حرکت کردن در چنین پرومهای تنها زمانی جایز است که از قبل مطمئن باشیم که دو سیستم ایدئولوژیک شناخته شده و شکل گرفته در برابر هم وجود دارد که ادراکات متفاوتی درباره‌عامترین و اصولی‌ترین مسائل دارند.

امروز ما و اشرف هیچ احتیاجی نمی‌بینیم که با همدیگر روی مسائل عملی و مشخصی بحث کنیم و بخواهیم از این طریق بفهمیم که با یکدیگر اختلاف اصولی داریم یا نه؟ بر سر ارائه تحلیل‌های جداگانه از حاکمیت نبود که اشرف از سازمان جدا شد. همه از قبل مطمئن بودند که تحلیل اشرف از حاکمیت حتما، قطعا و ضرورتا ۱۸۰ درجه با سازمان تفاوت خواهد کرد. می‌دانید چرا؟ زیرا امروز دیگر روشن شده است که هرکدام از ما در یک دستگاه ایدئولوژیک جداگانه فکر می‌کنیم. باز هم تکرار می‌کنیم بحث روی مسائل عملی و مشخص وقتی نتایج خلاق و سازنده و مثبت خواهد داشت که هنوز تا این لحظه روشن نباشد که مباحثی که مطرح می‌شوند با دو دستگاه ایدئولوژیک جداگانه سنجد می‌شوند.

ما قبل از آنکه رفقای اقلیت تحلیل خود را از حاکمیت فعلی ارائه بدهند و قبل از آنکه تاکتیک خود را در برابر این حاکمیت مشخص سازند، مطمئن بودیم و ایمان داشتیم که در بررسی ماهیت حاکمیت این اپورتونیسیم چه حاکم بر پیش این دسته از رفقا است تعیین کننده است. ما از قبل مطمئن بودیم که اپورتونیسیم چه حاکم بر پیش رفقا تمام واقمیت‌های موجود، تمام قانونمندی‌های مبارزه طبقاتی را خیلی راحت به فراموشی خواهد سپرد و اعلام خواهد کرد: "حکومت نماینده پرولتاریز کمپرادور و وابسته به امپریالیسم است"

مگر اشرف دهقانی در دو کلمه همین "حقیقت بزرگ" را درباره حاکمیت کشف نکرد؟ مگر او هم اعلام نکرد این خیلی مسئله ساده‌ای است، جامعه ما یک جامعه سرمایه‌داری وابسته است و هر حکومتی هم که در آن روی کار بیاید وابسته به امپریالیسم خواهد بود. مگر مثال قطار تهران - مشهد او را فراموش کرده‌اید؟ مثالی که به اصطلاح روابط زیر بنا و روبنا را توضیح می‌داد!

آنها هیچ آدم عاقلی می‌تواند انتظار داشته باشد که

۹۰٪ کادرها و اعضای سازمان را در بر گرفت. نخستین پلنوم سازمان شکست آشکاری بود برای آن بینشی که ۹ سال بر سازمان مسلط بود.

پس از پلنوم در نتیجه مرزبندی مشخصی که در پلنوم شکل گرفت، تنها عضو مرکزیت که اصول نظری و بنیادهای پیش گذشته سازمان را قبول داشت و اساس جزوه پاسخ به اشرف را که بنیادهای پیش گذشته را نفی میکرد، قبول نداشت، به علت سمت گیری نوین سازمان از مرکزیت استعفا داد و وظایف سازمانی خود را علیرغم توصیه‌ها و تذکرات مرکزیت رها ساخت.

بعد از پلنوم رفقای که هریک به نحوی از انحاء پیش گذشته را قبول داشتند، در قالب "اقلیت" متشکل شدند این رفقا تا امروز حاضر نشدند حتی یک جمله هم راجع به اساسی‌ترین و اصولی‌ترین مسائلی که به بنیان‌های فکری ما باز می‌گردد، موضعگیری کنند. رفقای اقلیت هنوز هم بیم دارند بپذیرند که شکل گیری اقلیت و اکثریت در سازمان بر اساس رد یا پذیرش پیش گذشته و ادراکات متفاوتی بوده است که هریک از اصول ایدئولوژیک و مبانی مارکسیسم داشته‌ایم.

رفقا تصور می‌کنند که بدون داشتن بنیادهای واحد ایدئولوژیک می‌توان در تاکتیک و برنامه به توافق رسید و وحدت تشکیلات کمونیستی را تامین کرد. و این اساس از سازمان می‌خواستند که قبل از هر چیز به مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک بپردازد. اکثریت در برابر این نگرش عنوان می‌کرد کمونیست‌ها در عصر کنونی مجهز به یک رشته تئوری‌های علمی و تجربه شده جهانشمول هستند که در کلیت خود به نام مارکسیسم لنینیسم شناخته می‌شوند. صحت این تئوری‌ها بستگی به این یا آن شرایط مشخص ندارد، تئوری‌هایی است علمی که صحت آن در جریان تاریخ طوفان‌زای مبارزه طبقات در جوامع مختلف به اثبات رسیده است و ما با ایقان علمی به صحت این تئوری‌ها آنها را برای تحلیل مشخص از اوضاع مشخص، برای تعیین وظایف عاجل و تدارک و انجام انقلاب پرولتاریائی به کار می‌گیریم.

بدون تجهیز به تئوری انقلابی، انقلاب غیر ممکن است و از نظر ما مبانی عام تئوری انقلاب دقیقا همان است که توسط بنیانگذاران سوسیالیسم علمی، مارکس انگلس و لنین بنیانگذاری و تئوریزه شده است. انقلابیون کمونیست در عصر ما نیازی به کشف مجدد این تئوری‌ها و آرمودن مجدد صحت آنها ندارند. وحدت آرگانیک در جنبش کمونیستی میان کسانی ایجاد می‌شود که صحت و حقایق تاریخی آن اصول و تئوری‌های علمی را پذیرفته باشند، اختلاف نظر بین ما در جریان‌های گریلائی و "انترناسیونال چریکی" که اکنون روزهای احتضار را می‌گذرانند، دقیقا مبتنی است بر رد یا قبول همان تئوری‌های عام تجربه شده‌ای که به اعتقاد ما باید دستورالعمل تمام کمونیست‌ها در مبارزه طبقاتی قرار گیرد.

بحث بر سر درستی یا نادرستی این یا آن تاکتیک مشخص تنها زمانی می‌تواند ما را به سوی نتیجه‌گیری واحد و درست رهنمون گردد که بین ما یک رشته اصول تئوریک واحد و علمی حاکم باشد و مورد قبول قرار گرفته باشد. بحث ما با رفقای اقلیت دقیقا بر سر پذیرش یا عدم پذیرش همان اصولی است که صحت آنها را علم و تجربه مبارزات پرولتاریا به اثبات رسانیده است و تئوری‌های ما که ۹ سال به آنها پایبند مانده بودیم همان اصول را در کلیت خود نقض کرده بود. درست به همین دلیل بود که ما پروسه تحکیم اصول یا بازگشت به اصول را مطرح می‌کردیم و رفقا چون اساس همان پیش گذشته را درست می‌پنداشتند، می‌خواستند به کمک آنها بحث بر سر مسائل مربوط به برنامه و تاکتیک را به اتمام رسانند.

از آنجا که سازمان هستی خود را در گسرو کوشش در راه تحقق همان آرمان‌هایی می‌داند که صدها رفقای شهید ما در راه آن جان باخته‌اند، از آنجا که ما در راه پیروزی و تحقق کمونیسم پیگار می‌کنیم، بیش از همه موظفیم که با دست‌پایی هرچه سریعتر و هرچه گام‌نتر به خط و برنامه مشخص و پاسخگویی به تمام مسائل مبرم و مشخص جنبش، در راه تحقق همان آرمان گام برداریم. همچنانکه تا امروز و به ویژه بعد از پلنوم نیز در این جهت تلاش کرده‌ایم.

رفقای اقلیت تلاش دارند وانمود کنند که سازمان قصد داشته است مسائل مشخص جنبش را رها کند و به بحث بر سر مسائلی بنشیند که هیچ ربطی به وظایف مشخص انقلابیون کمونیست نداشته است. حال آنکه سخن سازمان همواره آن بوده است که تا زمانی که یک رشته تئوری‌های عام و جهانشمول مارکسیست - لنینیستی مورد قبول ما نباشد، بحث بر سر خط و برنامه، تحلیل حاکمیت، تحلیل موقعیت و وظایف ما هرگز به نتیجه واحد نخواهد رسید. رفقای اقلیت با تعجبی آمیخته به شکایت عنوان می‌کنند که اکثریت سازمان در حالی که بیش از هر چیز خواهان دست‌پایی و تحکیم اصول بود، بلافاصله بعد از پلنوم به ارائه تحلیل‌های مشخص از حاکمیت، موقعیت و قیوره پرداخت! دلیل این امر واقعا آن بود که در مقطع بعد از پلنوم اکثریت سازمان روی یک حداقل مبانی مارکسیستی - لنینیستی به درک واحد و مشترک دست

خط ایدئولوژیک اشرف دهقانی یا کومه له روی این مسئله تملی و مشخص به گونه‌ای دیگر بیندیشد؟ اندیشه سترگ پرولتاریا امروز روابط مقولات مجرد با مسائل مشخص، رابطه بین تئوری و پراتیک مبارزاتی را روشنتر از آن تصویر کرده است که بتوان آن را با احتجاجات من در آوردی و جنجال‌های کودک فریب آشفته ساخت. وقتی مسائل به این روشنی و به این درجه از صراحت مطرح می‌شود و باز هم برخی از رفقا نمی‌پذیرند که در حین وجود اختلافات و مرزبندی‌های ایدئولوژیک و اصولی و بنیادی نمی‌توان روی مسائل عملی و مشخص برای رسیدن به وحدت ایدئولوژیک به مباحثه نشست، ما چاره‌ای نخواهیم داشت جز آنکه باز هم بیشتر به انحراف از اصول این دست‌از رفقا مطمئن‌تر شویم.

اکنون در جهان معاصر مرزبندی‌های معینی در جنبش جهانی کمونیستی پدید آمده است. این مرزبندی‌ها ناشی از اختلاف بر سر تحلیل‌های متفاوت از این یا آن وضعیت معین در عرصه ملی نیست، این اختلافات به درستی یا نادرستی این یا آن تاکتیک مشخص در این یا آن موقعیت ویژه و خاص محدود نمی‌شود. این اختلافات در تعیین تاکتیک دقیقا ناشی از آن مرزبندی‌های تعمیم یافته‌ای است که در عرصه اصول ایدئولوژیک بین جریان‌های جنبش کمونیستی جهانی پدید آمده است که در هر مورد معین به هنگام اتخاذ تاکتیک نمود و ظهور پیدا می‌کنند.

تضادهای ایدئولوژیک فعلی درون جنبش کمونیستی ایران نیز اولاً ناشی از تضادهای طبقاتی درون جامعه است. ثانیاً این تضادهای ایدئولوژیک از بلوک‌بندی‌های معینی در عرصه‌جهانی متأثر است که خود مشخصا انعکاس جهانشمول بودن و عام بودن قوانین مارکسیسم - لنینیسم در مبارزه طبقات است. این بلوک‌بندی‌های جهانی هیچکدام مبتنی بر این نیست که تحلیل مشخص آنان از حاکمیت و موقعیت‌های مشخص در عرصه ملی چیست؟ مرزبندی‌های اصولی که ما بین جریان‌های مدعی مارکسیسم - لنینیسم در عرصه جهانی رسم شده است، بر مبنای انحرافات اصولی شکل گرفته است نه بر اساس درک متفاوتی که آنها از شرایط خاص ملی و وظایف عاجل کمونیست‌ها در برابر آن دارند. اولین گام در راه زدودن تعاملات خرده‌بورژوازی درون جنبش کمونیستی ایران آن است که باور کنیم تضادهای ما و "اقلیت" در تحلیل نهایی تضاد بین دو بینش طبقاتی است. ثانیاً وجود و عملکرد این تضادها یک پدیده ملی نیست و در رشد خود ضرورتا در یکی از بلوک‌بندی‌های جهانی در جنبش کمونیستی جای می‌گیرد.

بین اپورتونیسیم چپ با مضمون آوانتوریزم انقلابی و مارکسیسم - لنینیسم دریائی فاصله است. انقلابیگری خرده‌بورژوازی قبل از اینکه یک متد باشد، قبل از اینکه یک مشی باشد، قبل از اینکه پاسخی برای مسائل عملی و مشخص باشد، یک انحراف از اصول است که جنبش کمونیستی امروز دیگر آنرا بدرستی می‌شناسد. بینشی است متعلق به عصری که هنوز اندیشه پرولتاریا جامعیت و کلیت خود را باز نیافته بود. اپورتونیسیم چپ با مضمون انقلابیگری خرده‌بورژوازی همان چیزی است که با طلوع لنینیسم در آستانه قرن بیستم از لحاظ ایدئولوژیک به ورشکستگی تاریخی کشیده شد. این انحراف در جنبش کمونیستی ایران اینک نه تنها موقعیت مسلط خود را از دست داده است بلکه مشخصا در آستانه زوال قرار گرفته است. زوالی که پلنوم آن را "پروسه تحکیم اصول" می‌نامید. زوالی که می‌رود تا در تمام زمین‌ها در تحلیل از حاکمیت، در تحلیل موقعیت، در موضعگیری نسبت به جنبش جهانی کمونیستی، در تعیین وظایف کمونیست‌ها، در تعیین تاکتیک جنبش ضدامپریالیستی - دمکراتیک خلق، در شناخت دوستان و دشمنان انقلاب ایران و حتی در زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و خصلتی در معیارهای زندگی خصوصی به اختلافات فاحش و مشخص منجر گردد. ما نه تنها از گسترش مبارزه ایدئولوژیک برای تکمیل کردن و متکامل کردن مرزبندی‌های ایدئولوژیک در تمامی عرصه‌های معین و مشخص بیم نداریم، بلکه درست همانگونه که شرکت ما در مبارزه طبقات در وجه ایدئولوژیک آن در یکساله اخیر نشان داده است، خواهیم کوشید تا با پیگیری کمونیستی با تمامی وجوه اپورتونیسیم چپ و راست، چه در داخل سازمان و چه در خارج آن قاطعانه پیکار کنیم. ما این قاطعیت و این پیگیری را به سود جنبش کمونیستی و در جهت تصفیه سازمان از تمامی گرایش‌های انحرافی راست و چپ می‌شناسیم. رفقای اقلیت نگران نباشند که ما فقط در ابعاد انتزاعی، تنها در عرصه اصول، اپورتونیسیم چپ را ترک خواهیم گفت. خیر رفقا! ما تنها بدین منظور کوشیده‌ایم اختلافات ایدئولوژیک را به عرصه اصول بکشانیم که واقعا قصد داریم در تمامی زمین‌های عملی و مشخص این انحراف را ریشه‌کن کنیم. آنچه تاکنون بر ما گذشته است شاهد صدق این مدعاست و آینده نیز بطور قطع شاهد پیروزی دیگری برای اندیشه پرولتاریا است.

دوره ترکیب و ماهیت طبقاتی دولت

"مردم قبل از همه و بیش از همه باید از حقیقت آگاه باشند و بدانند که قدرت دولتی عملاً در دست کیست، باید تمام حقیقت را به مردم گفت." (لنین - در اطراف شعارها)

از دادن پاسخ صریح و قطعی به قدرت دولتی طفره رفته است و نه به این مسئله پاسخ داده که دولت عملاً در دست کیست. قبال آن موضع روشن اتخاذ کرده است. افزایش به راست و در حوادث و تبعیت کور خودبخودی همراه اپورتونسم آشکار بنا بر این با این سیاه که نتیجه ای جز ضربه سازمان، جنبش کمونیست توده ای نخواهد داد مبارزه ای جدی برخاسته مقاله رئوس کلی نظر حاکمیت موجود ارائه مفصل آن را به زودی منتشر خواهیم ساخت که از جهت ترکیب سازشی است مرکب از فراقسیون های مختلف نمایندگان خرده بورژوازی قیام شکل گرفت. این محصول درجه معینی از طبقاتی و تناسب سروهای شرایط خود ویژه یک برآمد از سالها دیکتاتوری و اختناق هنگامی که پیش از قیام

امروز جامعه ما دست به گریبان یک بحران اقتصادی و سیاسی است. بحرانی که با گذشت هر روز از عمق و گسترش تازه ای برخوردار می شود. بار این بحران فشار طاقت فرسایی را بر توده ها وارد ساخته و زندگی را بیش از پیش برای آنها دشوار ساخته است. رژیم حاکم در عمل نشان داده است که نه می خواهد و نه می تواند به نیازها و خواست های برحق توده ها، جامعه عمل بپوشاند. هر روز که می گذرد توده های مردم بیش از پیش در پراتیک عینی و تجربه روزمره خود پی می برند که هیئت حاکمه در جهت تحقق خواست ها و نیازها و آمال و آرزوهای آنها گام بر نمی دارد. از این رو به تدریج از آن فاصله می گیرند و در پاره ای موارد به رودررویی مستقیم با آن بر می خیزند. اما با تمام این اوصاف هنوز انبوهی از توده ها در توهمات و زودباوری های ناشی از ناآگاهی و خرافات خرده بورژوازی به سر می برند و اشتعادی ناشی از ناآگاهی به حاکمیت دارند. در چنین شرایط بفرنج و پیچیده اجتماعی و سیاسی وظایفی خطیر برعهده نیروهای مارکسیست - لنینیست قرار دارد و پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش وظیفه عاجل جنبش کمونیستی است. اما انجام این وظایف

بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام است؟ و دولت به عنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقه ای است؟ می کند؟ نه تنها از پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف باز می مانیم، بلکه به سردرگمی و پلاکتیکی حاکم بر جنبش دامن زدن و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و توده ای وارد خواهد آمد.

اقتصادی و سیاسی ژرف سرافرا گرفت و توده ها دست به مستقل تاریخی زدند. مشخص طبقاتی در جنبش بود. دیکتاتوری و اختناق ۱۰ ساله که یکی از موانع آگاهی طبقه کارگر و پیاده بود، نتایج مخرب آورد. سازمان های طبقه کارگر و یا هنوز پدید پیوند ارگانیک طبقات و اقتدار هنگامی که رسیستم و جامعه را به سوق می داد طبقاتی که صف ضدانقلاب موقعیت طبقاتی اپوزیب خلقی خلقی

پیش از هر چیز مستلزم آن است که پاسخ قطعی و صریح به مسئله قدرت دولتی داده شود. بدون پاسخ به این مسئله که اکنون قدرت سیاسی در دست کدام طبقه است؟ و دولت بعنوان ابزار سلطه طبقاتی از منافع چه طبقاتی دفاع می کند؟ نه تنها از پاسخگویی به مسائل مبرم جنبش و انجام وظایف خود باز می مانیم بلکه به سردرگمی و پلاکتیکی حاکم بر جنبش دامن زده و بالنتیجه ضربات جدی و جبران ناپذیری به جنبش کمونیستی و جنبش توده ای وارد خواهیم ساخت. اگر به راستی قدرت دولتی عملاً در دست خرده بورژوازی است و حاکمیت موجود (حاکمیتی خلقی است) باید صریحاً حقیقت را به مردم گفت. روش پرولتاریا را در قبال آن مشخص کرد و موضع معینی نسبت به آن اتخاذ نمود و اگر قدرت دولتی عملاً در دست بورژوازی است باز هم باید آشکارا حقیقت را به مردم گفت و آنها را از حقیقت امر آگاه ساخت. امروز که یک سال و اندی از قیام می گذرد، "کمیته مرکزی" سازمان ما علیرغم اشارات جسته و گریخته خود به "وجه عمده خرده بورژوازی حاکمیت"

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی کردیم

مختصری درباره شرایط کنونی ما و انحراف فراست در سازمان

پرداخت و کنکره را برای تصویب آن هدف و برنامه (هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک) فرا خواند. ج- برای حل بحران ایدئولوژیک در دو روند به هم پیوسته زیر با تاکید بر تقدم و تاخر آن سازمان داده می شود: ۱- با سیستم ایدئولوژیک گذشته بر محور "تحکیم اصول" و دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک حداقل مارکسیست لنینیستی برخورد لازم صورت می گیرد. دست یابی به این مبنای برای حرکت اصولی و پیشرفت در وحدت سیاسی و تدوین هدف و برنامه ضرورت دارد. در پایان این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان جهت تصویب در کنکره تهیه و تنظیم می شود. ۲- در ادامه مبارزه ایدئولوژیک سازمان یافته، تدوین هدف و برنامه استراتژی و تاکتیک آغاز و ادامه می یابد طی این روند با اشکال تازه اپورتونسم چپ و راست مبارزه شده و صف بندی های احتمالی شکل خواهد گرفت. در پایان این روند کنکره فراخوانده شده و مصوبات آن، مواضع ایدئولوژیک - استراتژیکی سازمان شناخته می گردد. گروه بندی های ایدئولوژیک - سیاسی که طی این دو روند شکل گرفته اند، در کنکره تعیین تکلیف خواهند نمود. (جزوه پلنوم) بند ج به تصویب رسید. در جمع بندی فوق بند الف نظر اقلیت و بند (ب و ج) (گرچه تفاوت هایی دارند اما در اساس یکی هستند) نظر اکثریت سازمان بود. محتوای مباحثات پلنوم نشان می دهد که ما از لحاظ سیاسی - ایدئولوژیک ریشه اصلی بحران را در تضاد بین دو دیدگاه، یکی متکی بر مارکسیسم - لنینیسم انقلابی و دیگری متکی بر اپورتونسم و تبلیغ دنباله روی از حوادث ارزیابی کردیم. این دو جریان در طول پروسه و هنگام برخورد با مسائل مختلف سیاسی، لزوماً تضادهای خود را آشکار می کردند. ما در پلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن میدارد که مبارزه ایدئولوژیک بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیکی کمونیست ها متمرکز و سازماندهی کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت به کارگیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته) توسط کمونیست ها را از طریق پاسخگویی به مسائل مبرم خود به انجام برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه طبقاتی رو به انکشاف جامعه و راهگشای برخورد اصولی نسبت به اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم. خط مشی دوم که از جانب اکثر اعضای "کمیته مرکزی" رهبری می شد برای حل بحران به مقوله های مجردی همچون "تحکیم اصول" و یا "دست

باز یک مثال از بحران داخلی ما در زمینه های سیاسی - ایدئولوژیک، شکلائی بر گذرد. پس برای عدل اولین دیر از تضادها، تفاوت نظرات که عدداً به صورت میان کمیته مرکزی و "هیئت سابق کار" انعکاس یافت. پس دلیل عدم ثبات مباحث بر روی مسائل مشخص خط و برنامه "کمیته مرکزی" برای عالی سازمان را غیر عملی کرد. هفت ماه پیش با تشکیل سوم سازمان ریشه های اصلی و راه حل بحران مورد بحث قرار گرفت. در این مان که دیگر تضادهای ایدئولوژیک - سیاسی نمودهای ارزی یافته بود. هم رفقای سازمان به دو جناح اقلیت و اکثریت بر حسب چگونگی برخورد و نسبت به مسائل بحران شکل مشخص تری به خود گرفت. پلنوم، به دلیل مواضع چپ و برخورد های غیر اصولی رفقای مرکزی - سازمان هدایت می شد، در عمل، نه تنها زمینه های مناسبی جهت حل صحیح بحران درون سازمان فراهم نیامد، بلکه بر بستر تزلزل و ابهام ناشی از عدم آگاهی لازم و توهم اکثریت رفقای شرکت کننده نسبت به چگونگی مناسبات اصولی مابین جناح اکثریت و اقلیت درون سازمانی، وضعیت و شرایطی را پدید آورد، که دامنه بحران را هر روز گسترده تر کرد. در پلنوم بحث در مورد علل بحران و راه خروج از آن، نهایتاً به صورت دو تحلیل اساساً متفاوت نسبت به ریشه های اصلی بحران و در نتیجه دو سیاست و دو خط مشی کاملاً مجزا و متضاد در مورد راه حل بحران به قرار زیر جمع بندی شد: "الف - در مبارزه ایدئولوژیک که سازماندهی می شود، می باید از گانال پاسخ به نیازهای مبرم جنبش و تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک جهت حل بحران حرکت کنیم. در صی این پروسه با انحرافات گذشته نیز برخورد خواهد شد. در جریان تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک (مرحله انقلاب، برنامه انقلاب و...) دیدگاه های مختلف و انحرافات چپ و راست خود را مشخص می سازند. صف بندی های ایدئولوژیک سیاسی که طی این پروسه مبارزه ایدئولوژیک به وجود می آید، در کنکره تعیین تکلیف خواهند کرد. ب- مبارزه ایدئولوژیک باید در برخورد با سیستم ایدئولوژیک مشی گذشته سازمان بر محور "تحکیم اصول" به منظور دست یابی به یک مبنای ایدئولوژیک مارکسیست - لنینیستی سازمان یابد. طی این روند مانیفست تغییر مواضع ایدئولوژیک سازمان تهیه و تنظیم شده و با تصویب در مرکزیت یا کنکره در سطح جامعه اعلام می گردد. پس از این پروسه می باید به تدوین هدف و برنامه، استراتژی و تاکتیک

بقیه در صفحه ۴ ضمیمه

چرا مبارزه ایدئولوژیک را علنی ...

بقیه از صفحه ۳ ضمیمه

به یک بنای ایدئولوژیک حداقل
یست - لنینیستی" (!!!) متوسل
برای پنهان کردن نظرات راست -
شود خود از برخورد مشخص با مسائل
برنامه و تاکتیک به بهانه‌های مختلف
ظفره رفت.

جریان اکثریت علیرغم اینکه در
یابی ریشه اصلی بحران، در حرف و
ظاهر وجود دودیدگاه متفاوت
ایدئولوژیک را می‌پذیرفت، اما در عمل
خرد درست هنگامی که پلنوم به راه حل
ستن پرداخت، معلوم شد که علنیست
بی بحران را در قبول یا رد مشی
ی‌خانه گذشته از جانب اعضای
بهان جستجو می‌کنند و عملاً با عمده
نظیر این وجه از اختلافات نقش
به مان در جنبش را از یاد برد و شرایط
نای مبارزه طبقاتی کارگران و
سنتان و ضرورت رهبری آگاهانه آن
نادیده گرفت. در حقیقت "کمیته
تری" با مواضعی که اتخاذ کرده بود،
هنوز هم بر آن اصرار می‌ورزد،
دهای را تبلیغ می‌کرد که بر اساس آن
نیش کمونیستی ایران محکوم به جدا
مادن از جنبش خودبخودی کارگران
بود، زیرا ارائه راه حل بحران یعنی در
شرایطی که موج جنبش‌های خودبخودی
اعتراضی کارگران از یک سو و مبارزه
مکراتیک دهقانان و خلق‌ها برای کسب
سین و حق تعیین سرنوشت از سوی دیگر
قدرت عظیمی ما را به دنباله روی
کشاندو دقیقاً به همین جهت بسیج
ندارک نیروهای سازمان جهت طرح
شی استراتژی و برنامه و تاکتیک
انتاریا از مبرم‌ترین وظایف ما به شمار
آید، سخن گفتن از مبارزه
ئولوژیک برای ارزیابی مجدد
یک‌های گذشته به عنوان وظیفه
ه سازمان چه معنائی می‌توانست و
هم می‌تواند داشته باشد جز آنکه
یه ندگان چنین تفکری منافع
حظی خود را بر منافع اساسی
شش و مصالح طبقاتی کارگران ترجیح
دهند و آن آشفته‌فکری را که در این
ب محملی برای گسترش دیدگاه
گماتیستی در سازمان بوده است
ربرزه کرده و در سطح تشکیلات
یع و ترویج می‌کنند. شیوه متافیزیکی
تورد "کمیته مرکزی" نسبت به مبارزه
ئولوژیک هیچ قرابتی با درک مادی و
وم مارکسیستی مبارزه ایدئولوژیک
ند. عدم درک دیالکتیک رابطه
نل میان مبارزه ایدئولوژیک سازمان
سارزه طبقاتی کارگران در وضعیت
کنونی، خود نشانگر دیدگاه محدود
گ‌نظرانه "کمیته مرکزی" نسبت به
دراز مدت جنبش کارگری و جنبش
انتک - نوده‌ای ایران بود. به هر
جلسات پلنوم پایان یافت: پس از
ب زمانی چند، عده‌ای از اعضای
ه مرکزی سازمان که در پلنوم با
ه‌ندی‌های ضد تشکیلاتی و
کراتیک به اهداف اولیه خود دست
بودند بعد از پلنوم (پس از آنکه
هر از رفقای اقلیت یکی عضو کمیته
ن و دیگری عضو مشاور، با هدف
نظرات و مبارزه سیستماتیک علیه
ت انحرافی مسلط از مرکزیت و
تحریریه کار استعفا دادند)
را برای اجرای اهداف راست
فوبش، بیش از پیش مناسب
اینبار با نقض مصوبات پلنوم

که به پیشنهاد خود آنان تصویب شده
بود و به این ترتیب با زیر پا نهادن
هرگونه پرنسیپ کمونیستی بحران را در
همه ابعاد و زمینه‌های یاد شده به درجه
انفجار آمیزی رساندند. مصوبات پلنوم
که مقرر می‌داشت تا شکل گیری نهائی
نظرات طی روندهای مبارزه ایدئولوژیک
و تعیین تکلیف گروه‌بندی‌های سیاسی -

رفقای "کمیته مرکزی" به دلیل آنکه
هنوز دارای موضع پایداری نسبت به
اهداف و جریان‌های عمده حاکمیت و
ماهیت طبقاتی آنان نیستند و یا دست
کم از برابرز علنی و صریح آن تاکنون
اجتناب ورزیده‌اند. پایه پای چرخش
به راست در سیاست، تاکتیک‌ها را نیز
از این لحظه تا به آن لحظه و از این

ما در پلنوم چنین عنوان کردیم که شدت گیری مبارزه طبقاتی و شرایط
حاد سیاسی حاکم بعد از قیام، ما را بر آن می‌دارد که مبارزه ایدئولوژیک
بین دو جریان را در درجه نخست روی تحلیل شرایط کنونی، تعیین
استراتژی سیاسی و وظایف مبرم و تاکتیک گمونیست‌ها متمرکز و سازماندهی
کرده و ارزیابی ماهیت و ضرورت بکار گیری تاکتیک مسلحانه (در گذشته)
توسط گمونیست‌ها را از طریق پاسخگویی به مسائل مبرم به انجام
برسانیم. ما این خط و برنامه پیشنهادی را تنها راه اصولی جهت
پیشبرد مبارزه ایدئولوژیک که باید ضامن شرکت آگاهانه ما در مبارزه
طبقاتی رو به انکشاف جهانی و راهگشای برخورد اصولی نسبت به
اختلافات موجود باشد، اعلام کردیم.

واقعاً تا به آن واقعه اتحاد کرده‌اند.
جس وضعیتی نمای اتحاد تاکتیک‌ها
وموضعگیری‌های سازمان را به در ارتباط
با اهداف اسرانیک بلکه اساساً تابع
منافع آبی و سودمندی لحظه‌ای نموده
است. وبالاتر از این مرکزیت بیش از
آنکه به منافع دراز مدت جنبش کارگری
و جنبش نوده‌ای سیندیشد به کسب نفوذ
و داشتن "پایگاه نوده‌ای" به شیوه
احزاب اپورتونیست اروپائی فکر می‌کنند
از این رو به تبعیت از اصل برشتینی
"جنبش همه‌جیر هدف هیچ چیز"،
علا از این اصل اساسی کمونیستی که
پیروزی طبقه کارگر و نوده‌های زحمتکش
تنها از طریق بسیج و رهبری آنان حول
سیاست مستقل پرولتاریائی امکان پذیر
است، چشم پوشیده و به جای آنکه به
منافع طبقاتی و تاریخی کارگران اساساً
در جستجوی متحدینی در میان
"پالائی‌ها" به جناح‌های مختلف
هیئت حاکمه" چشم دوخته است. تسلط
دیدگاه پراگماتیستی با ماهیت گرایش به

ایدئولوژیک، در کنکراهی که به همین
مناسبت می‌بایستی تشکیل شود، از ارائه
هرگونه تحلیل و موضعگیری، چه در
مورد مشی گذشته سازمان و چه در مورد
حاکمیت کنونی، به جز موضعگیری‌های
سیاسی - تبلیغی روزمره نباید صورت
گیرد، با بهانه‌های مختلف و تحت
پوشش‌های گوناگون از جانب "کمیته
مرکزی" نقض شد و این رفقا تدریجاً
بطور خودسرانه به برکناری رفقای اقلیت
از مسئولیت‌های تشکیلاتی دست زدند
و آن را همچنان ادامه دادند.
(تحلیل‌های مندرج در "کار" ۳۵
و شماره‌های پس از آن، در مورد حاکمیت
و نیز مقاله‌های درج شده در ارگان‌های
محلی شواهد عینی نقض مصوبات پلنوم
از جانب مرکزیت است. این مقاله‌ها
بدون کوچکترین نظرخواهی از اعضای
سازمان و صرفاً بنا به نظر مرکزیت
نگاشته شده است.)
مبارزه درونی سازمان ما علیه نفوذ و
گسترش ایدئولوژی بورژوائی و خرده -

مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها وسیله‌ای برای شناساندن هویت
ایدئولوژیک سیاسی جناح انقلابی سازمان در سطح جنبش کمونیستی -
کارگری محسوب می‌شود بلکه در درجه نخست تنها طریق موثر مبارزه
انقلابی علیه گسترش گرایش‌های اپورتونیستی و رویزیونیستی و تنها
شکل حفظ محتوای انقلابی سازمان ما به شمار می‌آید. مبارزه ایدئولوژیک
علنی کوششی است در جهت بیدار کردن و آگاه کردن هواداران و نیز تمام
آن کسانی که در جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما نقش مهمی
قائلند.

راست از یک سو و نوده ایگاه نوده‌های
سازمانی و ناده‌های انکشافی سازمان
دمکراتیک از سوی دیگر، ایک کاملاً
بصورت دو خصوصیت دارد: "مرکزیت"
در امر مبارزه ایدئولوژیک و هدایت
سیاسی - تشکیلاتی سازمان در آمده
است. رشد مبارزه طبقاتی و ضرورت
موضعگیری‌های مشخص و صریح
در قبال مسائل و موضوعات خاد سیاسی
انعکاس خود را به صورت تکامل مبارزه
بین دو خط مرز در درون سازمان آشکار
کرده است. اقدامات غیر اصولی و غیر
دمکراتیک "مرکزیت" در سربرازی
بمناسبات غیرمصطفی در جناح اقلیت و
اکثریت، ناده‌های انکشافی و نوده‌های
گرفتن نظریات، نوده‌های سازمانی در

بورژوائی که عمدتاً به صورت مبارزه
ایدئولوژیک علیه تفکرات مسلط در
مرکزیت سازمان بازتاب داشته است به
هیچ وجه مربوط به امور جزئی و یا
محدود به مسائل تشکیلاتی نبوده بلکه
به سبب ریشه‌های ایدئولوژیک - سیاسی
عمیق آن، در تمامی مسائل اساسی و
مهم مبارزه طبقاتی و در عرصه‌های
تئوری و یراتیک خود را می‌نمایاند.
خط و مشی سیاسی سازمان و همینطور
سمت گیری آن در مبارزه ایدئولوژیک
کرونی و بیرونی که قاعدتاً می‌بایست با
تکیه بر نیازهای مبارزه طبقاتی کارگران
رهنمونی برای عمل سازمان و هواداران
گردد، توسط "کمیته مرکزی" در
مسیرهای انحرافی سوق داده شد.

تدوین، تصویب و پیشبرد خط و برنامه
سیاسی، نقض مکرر و متوالی ضوابط و
اصول سازمانی با استفاده از اهرم‌های
تشکیلاتی از سوئی و - عاملی که بیشتر
از هر چیز و به مثابه عامل تعیین کننده
در اصرار ما برای علنی کردن مبارزه
ایدئولوژیک نقش داشته است، یعنی -
در پیش گرفتن روش آشتی آجویانه و
تسلیم طلبانه در مبارزه طبقاتی، خط
و مصالحه با این یا آن جناح قدرتمند
درحاکمیت، دامن زدن به توهم، توده
و سمت‌گیری پر شتاب در تئوری و عمل
به سوی اپورتونیسم و تفکر حزب توده از
سوی دیگر، ما را بر آن داشت که
همگان را از ماهیت اختلافات
ایدئولوژیک درون سازمانی آگاه سازیم.
بدیهی است که ما بدون اینکه بوسیله
علنی کردن مبارزه ایدئولوژیک با تمام
قوا علیه گرایش‌های اپورتونیستی
"مرکزیت" مبارزه کنیم نمی‌توانستیم
وظایف انقلابی خود عمل کنیم. از نظر
ما، مبارزه ایدئولوژیک علنی نه تنها
وسیل‌ای برای شناساندن هویت
ایدئولوژیک - سیاسی جناح انقلابی
سازمان در سطح جنبش کمونیستی
کارگری محسوب می‌شود، بلکه در
نخست تنها طریق موثر مبارزه انقلابی
علیه گسترش گرایش‌های اپورتونیستی و
رویزیونیستی و تنها شکل حفظ محتوای
انقلابی سازمان ما به شمار می‌آید.
مبارزه ایدئولوژیک علنی کوششی است
در جهت بیدار کردن و آگاه کردن
هواداران و نیز تمام آن کسانی که در
جنبش کمونیستی ایران برای سازمان ما
نقش مهمی قائلند. به عقیده ما، در
شرایطی که پراکندگی در جنبش حاکم
بوده و در بین ما نیز هنوز بر اصول
ایدئولوژیک اختلافات اساسی
چشم‌پوشی خورد بیش از هر چیز باید همگان
از ماهیت اختلافات و شیوه برخورد این
دو جناح نسبت به مسائل مورد مشاجره
آگاه و در باره آن قضاوت کنند.
اگرچه ما از نفوذ عناصر تفکر
اپورتونیستی در اندیشه "کمیته مرکزی"
سازمان بسیار ناسف هستیم اما هیچگاه
این آموزش لنین را فراموش نمی‌کنیم که
"حتی بهترین نمایندگان دموکراسی
خود را به سوگواری بخاطر این
اغتشاش فکری، تردید و بی‌اعتقادی
به اصول محدود می‌بازند. لیکن
مارکسیست‌ها، ریشه‌های طبقاتی این
پدیده اجتماعی را جستجو
می‌نمایند."
(لس - مبارزه ایدئولوژیک در
حسب طبعه کارگر)
ما بخصوص از تمامی رفقای هوادار
می‌خواهیم که این ایده لنینی را بعنوان
رهنمونی در برخورد با اختلافات درونی
سازمان در نظر گرفته و به پیشبرد مبارزه
ایدئولوژیک علنی در سطح جنبش یاری
رسانند و این امر حیاتی را به هر شکل
ممکن پیش برند. در خاتمه نکته‌ای را که
باید خاطر نشان سازیم و تاکید خاصی
بر آن داشته باشیم این است که عمده
کردن مبارزه ایدئولوژیک حول مسائل
حاد، سرم جنبش کمونیستی ایران را
نعوان تنها طریق اصولی پیشبرد مبارزه
ایدئولوژیک شناخته و هرگونه عدول از
آن را امری مرمی و کوششی در جهت
برده افکنش بر نظرات غیر مارکسیستی
بجای نگرفتن از ناسخکونی به مسائل
تئوریک و بی‌فلسفی جاری می‌دانیم.

دریاره ترکیب و ماهیت طبقاتی ...

بقیه از صفحه ۳ ضمیمه
و مبارزه اوجگیرنده آنها، زمینهای عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده بورژوازی جنبش را فراهم ساخت. بدین طریق در آستانه قیام سازشی شکل گرفت و حاکمیتی پدید آمد که "ارگان سازش" بود. در این حاکمیت که از لحاظ ترکیب طبقاتی از نیروهای وابسته به قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی و نمایندگان بورژوازی وابسته (عمدتا بورژوازی متوسط) تشکیل شد، پستهای حساس و مراکز مهم دستگاه

چنین شرایطی از سطح مبارزه طبقاتی رهبری بطور کامل در اختیار نیروهای سازشکاری قرار گرفت که از حداقل شکل لازم و امکان پیوند با تودهها برخوردار بودند. نقش مذهب و اعتقادات مذهبی مردم و بطور کلی جو خرده بورژوازی که سراسر جامعه را فرا گرفته بود، به این نیروها که از جهت موضعگیری و پایگاه طبقاتی به قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی تعلق داشته، امکان داد که هژمونی خود را بر جنبش، تأمین کنند.

نمایندگان خرده بورژوازی سنتی که از یک سو به خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتی شان با بورژوازی به ویژه نزدیکی شان به ایوژیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدیداً قشری و مذهبی، عناصری کاملاً متزلزل، محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند، هنگامی که در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روزافزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند.

دولتی عملاً به دست بورژوازی افتاد. بدین طریق هنگامی که مردم در حال برپا کردن باریکداهها در خیابانها و نیز حمله به پادگانها و مراکز سرکوب و ستم بودند نمایندگان بورژوازی می‌کوشیدند پستهای مهم و حساس دولتی را تصاحب کنند. رهبری خرده بورژوازی جنبش پیش از قیام راه سازش با بورژوازی را برگزید و با تأیید و حمایت از دولت بازرگان و شورای انقلاب می‌خواست به شکل مسالمت آمیز و با حداقل اصلاحات ممکن در ارگانها و نهادهای رژیم گذشته ماشین فطرتی را به این دوارگان بورژوازی تحویل دهد. اما در همین لحظات قیام خودانگیخته توده‌ها برخی از محاسبات و معادلات مربوط به انتقال مسالمت آمیز قدرت را برهم زد. قیام ضرباتی به ارگانها و نهادهای بورژوازی وارد آورد و زیر فشار توده‌ها نقش

این نمایندگان خرده بورژوازی سنتی که از یک سو به خاطر خصوصیات طبقاتی و خویشاوندی طبقاتی شان با بورژوازی به ویژه نزدیکی شان به ایوژیسیون بورژوازی متوسط و از سوی دیگر گرایشهای شدید قشری و مذهبی، عناصری کاملاً متزلزل محافظه کار و فاقد پیگیری لازم بودند هنگامی که در راس جنبش توده‌ای و در آستانه یک دگرگونی و تحول تاریخی قرار گرفتند، خود را سخت ناتوان دیدند و در برابر رادیکالیزه شدن روز افزون جنبش و حرکت انقلابی توده‌ها به هراس افتادند و به آغوش بورژوازی پناه بردند. رهبری جنبش گرچه در مبارزه علیه دیکتاتوری شاه قاطعیت خود را در عمل نشان داد، اما به خاطر همان خصالت‌های طبقاتی و ویژگی‌های شدیداً مذهبی ضد کمونیستی و ضد دمکراتیک فاقد قاطعیت لازم در مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌های وابسته بود.

در آستانه قیام به علت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان شکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود در ارتباط و پیوند همه‌جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها و مبارزه اوجگیرنده آنها، زمینهای عینی سازش بین بورژوازی و رهبری خرده بورژوازی جنبش را فراهم ساخت.

بورژوازی بزرگ در ارگان سازش کاهش یافت. قیام و مسلح شدن توده‌ها دیگر چیزی نبود که تأثیر خود را بر جریان حوادث برجای نگذارد و این همان سبلی است که به قول بازرگان به جای باران آمد. سیاستها و عملکردهای این حاکمیت و شیوه‌ای که در قبال توده‌ها و انقلاب در پیش گرفت و اقداماتی که تا به امروز انجام داده است آشکارا ماهیت و خصالت طبقاتی بورژوازی آن را نشان می‌دهد. این حکومت از همان روزهای نخستین به قدرت رسیدن خود در جهت متوقف کردن دامنه قیام کام برداشت، از انهدام کامل ارگانها و نهادهای رژیم گذشته به وسیله توده‌های قیام کننده ممانعت به عمل آورد. با سرعت بازسازی ارگانها و نهادهای ضربه خورده بورژوازی را آغاز کرد. پایه‌های

موقعیت بورژوازی و امپریالیسم نیز در چنین مرحله‌ای از تکامل جنبش که مبارزه توده‌ها علیه رژیم حاکم مدام گسترش و شدت می‌یافت و ضعف و ناتوانی هیئت حاکمه نیز هر روز بیشتر آشکار می‌شد، به نحوی بود که سلطه آنها با خطر جدی روبرو شده بود، بنا بر این در این حال برای آنها نیز بهترین و ممکن ترین راه نجات سازش با نیروهای رهبری کننده جنبش بود. پس می‌بینیم که در آستانه قیام به علت فقدان صف بندی طبقاتی مشخص، فقدان هژمونی پرولتاریائی بر جنبش، فقدان شکل و آگاهی توده‌ها، فقدان سازمان‌های سیاسی انقلابی که با توده‌های خود ارتباط و پیوند همه جانبه و نزدیک داشته باشند، خصوصیات طبقاتی و قشری رهبری جنبش و بالاخره احساس خطر بورژوازی در برابر توده‌ها

خود را با وعده و وعید و اطمینان به امکان دست یابی به توافق با سرمایه‌داران بزرگ تنگین می‌دهند و در بهترین حالات از سرمایه‌داران برای بخش فوقانی کم عده توده‌های خود امتیازاتی ناچیز محدودی می‌گیرند. اما در مورد هر مسئله قطعی، هر امر مهم، دمکرات‌های خرده بورژوا همیشه دنباله رو ناتوان آن و آلت مطیع در دست سلاطین مالی در آمده‌اند. (لنین: درس‌های انقلاب)

در جامعه ما نیز سازش نمایندگان و سران خرده بورژوازی سنتی مرفه با هر نیتی و با هر قصدی که صورت گرفته باشد در ماهیت امر تغییری نمی‌دهد. نیروئی که راه مذاکره و سازش با ضد خلق و ائتلاف با بورژوازی را بر اتحاد با نیروهای انقلابی ترجیح می‌دهد و قدرت واقعی را عملاً به بورژوازی می‌سپرد، نیروئی که مانع درهم شکسته شدن ارگان‌های سرکوبگر بورژوازی و دستگاه اداری و نظامی آن می‌شود و توده‌ها را از قیام منع می‌کند، نیروئی که از فرمای قیام مدام اعتماد به بورژوازی را به مردم تلقین می‌کند و آنها را به اطاعت از بورژوازی وامی‌دارد و در هر امر قطعی و مهم تاکنون جانب بورژوازی را گرفته است، با هر نیتی هم که با بورژوازی سازش کرده باشد، عملاً

مادی سلطه امپریالیسم و بورژوازی وابسته یعنی مناسبات سرمایه‌داری وابسته را حفظ کرد. مالکیت بورژوازی را مقدس، محترم و تعرض ناپذیر اعلام کرد و بالاخره در مقابل کارگران از سرمایه‌داران و در برابر دهقانان از زمینداران به دفاع پرداخت. این حکومت از همان فرمای قیام بسیاری از پست‌های مهم و مراکز حساس در دستگاه دولتی یعنی در ارتش و بوروکراسی را به دست نمایندگان بورژوازی و بسیاری از هواداران و سرسپردگان رژیم سرنگون شده سپرد و سازماندهی باندهای سیاه، بورش‌های وحشیانه به خلق‌های تحت ستم ایران، تلاش در جهت در هم کوبیدن دستاوردهای انقلابی توده‌ها نظیر شوراهای محدود کردن و پایمال کردن حقوق دمکراتیک و آزادی‌های سیاسی مردم را پیشه خود ساخت. بقول لنین:

این حکومت در حالی که نیت حسنه خود را در پس پرده جملات انقلابی پنهان می‌دارد، هواداران بساط گین را به مقام‌های حساس می‌گمارد. این حکومت می‌کوشد تمام دستگاه ماشین دولتی (ارتش، پلیس و دستگاه اداری) را حتی المقدور با اصلاحات کمتری به بورژوازی تسلیم نماید. حکومت جدید دست به کار آن شده است که به هر وسیله‌ای شده از اقدام انقلابی عملیات توده‌ای و

مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلاب‌های جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که هنگامی که سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می‌گیرند.

تصرف قدرت از پائین به توسط مردم که یگانه تضمین موفقیت‌های واقعی انقلاب است جلوگیری نماید. (لنین وظایف پرولتاریادز انقلاب) همه این اقدامات که کلاً در جهت تحکیم سلطه بورژوازی است، آشکارا ماهیت بورژوازی حاکمیت را نشان می‌دهد.

اما اکنون باید به مسئله‌ای پرداخت که هنوز در جنبش ما برای عده‌ای لاینحل باقی مانده است و آن نقش خرده بورژوازی در ارگان سازش است. سؤالاتی که در اینجا مطرح می‌شود و اختلافاتی که پیش می‌آید این است که: در ارگان سازش قدرت واقعی عملاً در دست کیست؟ آیا سازش نمایندگان خرده بورژوازی با بورژوازی (با هر نیتی که صورت گرفته باشد) می‌تواند منافع واقعی خرده بورژوازی را تأمین کند؟

مارکسیسم - لنینیسم به ما می‌آموزد و تجربیات انقلاب‌های جهانی به دفعات صحت آن را به اثبات رسانده است که هنگامی که سران خرده بورژوازی با بورژوازی سازش کنند، این سازش با هر نیت و قصدی که صورت گرفته باشد آنها را به زائده و دنباله‌رو بورژوازی تبدیل می‌کند و در مسائل قطعی و مهم همیشه جانب بورژوازی را می‌گیرند آنها در نهایت امر امتیازاتی به نفع قشر فوقانی خرده بورژوازی می‌گیرند که خود را به صورت رفرم‌های بورژوازی نشان می‌دهد. لنین در این باره می‌نویسد:

دمکرات‌های خرده بورژوا بویژه رهبری آنها به دنباله روی از بورژوازی تمایل دارند رهبران دمکرات‌های خرده بورژوا توده‌های

در خدمت بورژوازی قرار گرفته است و به قول هروف "راه‌بین نیز با نیت حسنه مفروش شده است". بنابراین پاسخ به این مسئله که آیا این سازش با نیت حسنه و یا "سو نیت" صورت گرفته است، فاقد اهمیت عملی است و در ماهیت حاکمیت و نقش خرده بورژوازی در آن تغییری نمی‌دهد. البته باید در نظر داشت که سازش نمایندگان وابسته به قشر فوقانی خرده بورژوازی سنتی با بورژوازی از طریق گرفتن امتیازاتی عملی شد. امپریالیسم و بورژوازی با توجه به پایگاه توده‌ای رهبری جنبش و با توجه به سطح مبارزه توده‌ها، مجبور بودند که در سازش تن به عقب‌نشینی‌هایی بدهند تا بتوانند سیستم موجود را نجات دهند و جنبش را به انحراف بکشانند. بنا بر این با پذیرش برخی اصلاحات مورد نظر رهبری خرده بورژوازی جنبش و دادن امتیازات ویژه به روحانیت تن به سازش دادند. امتیازاتی هم که به نفع توده‌های خرده بورژوا گرفته شده از حدود رفرم‌های بورژوازی تجاوز نکرده است، در این زمینه رفرم‌های بورژوازی ارگان سازش در زمینه‌های اقتصادی از جمله اعطای وام‌ها و کمک‌های ناچیز به خرده تولید کنندگان، برنامه رفرم ارضی و غیره به خوبی بیان کننده ماهیت این امتیازات و رفرم‌های بورژوازی است که به هیچ وجه منافع واقعی توده‌ها را تأمین نمی‌کند. بدین لحاظ از آنجائی که سران خرده بورژوازی سازش کرده‌اند و در قطعی ترین و مهمترین مسائل جانب بورژوازی را گرفته‌اند و نمی‌توانند ضایع

بقیه در صفحه ۶ ضمیمه

